

ایل گویجی

کۆنگۆل لره، بۆره کلره، بیربۆلیپ باشلار
نارتسا بئغین، ارارتوهراتلار- داشلار

بیر سوهرادا تابیار قئللئسا آشلار
کۆته ریلر اول ائقبالی سۆرکمئینیک

مهر و آبان

۱۳۷۰

شماره نشریه ای در خدمت تدارک و تشکیل کنفرانس سراسری

۲۰۲۱

آزموده را آزمودن خطاست

قاییلی

یک بررسی ساده از

جنبش ملی - دموکراتیک
خلق ترکمن

«بخش دوم»

مسئله ملی ترکمن و اندیشه فدائی

مباحثی که تا کنون به طور مشخص مورد بررسی و نقد قرار نگرفته، رابطه اندیشه فدائی با نمایلات ملی گرایانه خلق ترکمن و چگونگی فراروتیدن این گرایش بر بستر مطالبات ملی - دموکراتیک زحمتکشان ترکمن صحرا است. ذکر این نکته نیز ضروری است که در این نوشته از واژه «فدائیان ترکمن» به جای «فدائیان سچفخا» در ترکمنصحرا استفاده می گردد.

در سالهای قبل از سقوط رژیم شاه، هیچکدام از نیروهای سیاسی و جوان ترکمن که اندیشه فدائی را از محیط های آموزشی و دانشگاهها و بعضا

بقیه در صفحه ۲

نشریاتی که بزعم گردانندگان آن رسالت مشخصی را بر عهده دارند و هدف معینی را دنبال مینمایند، معمولا بدنبال نامشان عنوان و یا هئتاویتی نیز اضافه میگردد. این گونه عنوان و یا هئاوین علی القاعده، بمثابة بخش توضیحگر نام نشریه، میبایست تا جای ممکن هر چه روشنتر و گویاتر، جایگاه اجتماعی، چارچوب کلی فعالیتها، و سمت و سوی همومی اهداف نشریه مربوطه را انعکاس دهد. بهمین هلت در مورد نشریاتی که رسالتی برای خویش قائلند و بطور جدی میخواهند کاری شمر شمر در جهت تحقق اهدافشان انجام دهند، این بخش از نام آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و اصولا گردانندگان اینگونه نشریات در رابطه با انتخاب بخش توضیحگر نام نشریه خود و سواس زیادی بخرج میدهند و تلاش مینمایند تا در این مورد هرگز دچار اشتباه دگی و سهل انگاری نگردند. پرواضح است زمانیکه این امر بدینگونه با دقت و احساس مسئولیت همیق انجام میپذیرد، حذف و یا تغییر آن نیز برای گردانندگان اینگونه نشریات کار سهل و ساده ای نخواهد بود. چراکه هر گونه تغییر در بخش توضیحگر نام یک نشریه، هلی الخصوص زمانیکه این کار با توضیحات لازم و کافی برای خوانندگان توأم نباشد، منطقا از سوی خوانندگان آن نشریه بعنوان تغییر در چارچوب فعالیت ها و حتی فراتر از این، بمثابة تغییر هدف اساسی نشریه مورد نظر تلقی خواهد گردید. صد البته که این موضوع از نظر گردانندگان هر نشریه جدی و هدمند بسیار پر اهمیت بوده و آنان باین مسئله ساده انگارانه و قییر مسئولانه برخورد نخواهند نمود. مگر اینکه

گردانندگان امر از درک میزان اهمیت مسئله عاجز باشند و با تخطئه کردن کسانی که از آنها انتقاد می کنند، بی تجربگی و ندانم کاریهای خویش را توجیه نمایند!! و یا اینکه بخواهند نشریه ای را صرفا برای مشغولیت و محض خالی نبودن هر بیضه منتشر نمایند که در این صورت کار آنها چیزی جز «باری بهر جهت» نخواهد بود... نشریه «ایل گویجی» سیزده سال پیش بصمت تعدادی از روشنفکران با سابقه ترکمن در شهر گنبد پا بعرضه وجود گذاشت و بعنوان نشریه «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» انتشار یافت و تا شماره هفده، با همین عنوان انتشار آن ادامه پیدا کرد. ولی از شماره هفده به بعد این عنوان از نشریه حذف گردید و همانگونه که خوانندگان گرامی ملاحظه میفرمایند این نشریه اکنون با عنوان جدیدی منتشر میگردد. از زمان حذف «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» از نام «ایل گویجی» و جایگزینی عنوان جدید در این نشریه تاکنون نامه های زیادی از طرف خوانندگان خود دریافت نموده ایم که در این نامه ها از زوایا و دیدگاههای متفاوت با این مسئله برخورد شده است. ولی صرف نظر از تفاوت نظر و زوایای برخورد، در تمامی این نامه ها سوالی دقیق و اساسی مطرح می باشد که بیانگر توجه در خور تحسین و حساسیت بجا سازنده نویسندگان نامه ها نسبت به سر نوشت «کانون» و «ایل گویجی» میباشد. از این بابت از تک تک این دوستان صمیمانه تشکر میکنیم و امیدواریم که اینگونه همکاری ها و همفکری های شمر بخش روز بروز گسترش یابند و در بقیه در صفحه ۲

پیش به سوی کنفرانس سراسری

آزموده را از مودن خطاست

ادامه خودتبه‌هایترین سطح ضرور فرا بر ویند. دوستان ما ضمن اشاره به هم پیوندی جدائی ناپذیر "ایل گویجی" با "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" و اینکه اساسا این نشریه بعنوان نشریه این کانون بوجود آمده است و حذف عنوان کانون از نام آن مفهومی جزئی رسالت مشخص و تاریخی ایل گویجی نخواهد داشت، پرسیده اند که چرا و بچه علت ما این عنوان را از نشریه حذف نموده ایم.

پاسخگوئی به این سوال اساسی که اصولا میبایست همزمان با حذف عنوان مورد بحث از نشریه صورت میپذیرفت، ضمن اینکه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار میباشد، نیاز به بررسی دقیق و نقادانه خود مقوله "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن"، فعالیت های گذشته و حال، و چشم اندازهای آتی آن و هم چنین زمینه های شکل گیری "ایل گویجی" و تاریخچه پرفراز و نشیب این نشریه دارد.

تجربه های موجود بروشنی نشان میدهند که، اگر به این امر مهم و تاریخی پرداختی لازم و کافی صورت نگیرد و برای پاسخگوئی به سئوالات اساسی فراوانی که بحق در رابطه با کانون و ایل گویجی مطرح بوده و همچنان بی پاسخ مانده اند، صرفا به کلی گوییهای ایهام آمیز اکتفا گردد، در بهترین حالت خود حاصلی جز اوج گرفتن بحث و جدلهای بی فایده و غیر ضرور ببار نخواهد آورد و وقت و انرژی زیادی را که در شرایط حساس و در همین حال بشرنج کونونی میبایستی در جهت حل مسائل اساسی و پاسخ به ضرورت های عاجل و واقعا موجود جنبش ملتمان صرف کردند بیهوده بهتر خواهد داد، و لاجرم خود موضوع نیز مرور بکلانی سردرگم تبدیل خواهد گشت، لذا ما در رابطه با سوال دوستان مقدماتا به توضیحات مختصر و بسیار فشرده زیر بسنده میکنیم. باشد که در فرصت های مناسب بعدی تاجائی که میسر است بطور همه جانبه و مشروح، و بر اساس واقع بینی و صداقت انسانی به موضوع کانون و ایل گویجی بپردازیم، تا ضمن مرور ببقرضانه تاریخچه جنبش نوین ملت ترکمن، و اقصیات و حقایق تلخ و شیرینی که در رابطه با "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" تاکنون بصورت رازهای ناگفتنی در زیر انبوهی از ستسطله بازیها، کلی گوییها، و تحریفهای آگاهانه و ناآگاهانه مدنفون مانده اند بازگو گردند.

بگذار درسهای گرانمای "آن روزها" که همدتا تلخ و دردناک میباشد، و هنوز آنگونه که باید اهتتائی به آنها نشده است، باتمام تلخی ها و مشقاتشان وارد زندگی "امروز" ما گردند و نقش بایسته خویش را ایفا نمایند! بگذار این میراث مالا مال از اشک و حرمان که خونبهای گرانقیمت قربانیان معصوم ترکمن است، با تلاش صادقانه و همیاری همه انسانهای آزاد اندیش و ترقیخواه ترکمن بارور شود و امیدهای رفته رفته رابه دل های پرازو باز گرداند و بدینگونه به نسلمای آینده ملت دردمندان سپرده شود تا چراغ راه آنان گردد...

از محتوای نامه برخی از دوستان چنین بر میآید که گویا ما از وجه نظری به کسانی پیوسته ایم که کانون را پدیده ای و فات یافته

تلقی مینمایند. بزم ایشان دلیل این مدها نیز همانا حذف عنوان "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" از نشریه "ایل گویجی" میباشد.

واقعیت اینستکه در بین روشنفکران ترکمن بویژه در خارج از کشور برداشتها، تلقی ها، و نظرات متفاوتی از مقوله کانون جریان دارد که متاسفانه هیچکدام از آنها از پایه تئوریک قابل اتکا و بررسی دقیق و مسئولانه قضیه حکایت نمیکند. و اکثرادر این رابطه بر خوردنها بگونه ای است که گوئی مسئله امری کاملا شخصی بوده و هرکس سعی دارد بنوعی فقط کلیم خودش را از آب بیرون بکشد و از این آب گل آلود ماهی دلخواه خویش را صید نماید.

همانگونه که اشاره رفت برخی از روشنفکران ترکمن در خارج از کشور بر این نظرند که کانون پدیده ای و فات یافته است، و تلاش میکنند تا این "مرحوم بزرگوار" را در لابلای القاب و عناوین بی آزار کن پیچ کرده، با سلام و صلوات، آنرا در گورستان خاطره ها دفن نمایند. این نظر که تادیروز کانون را بعنوان فرشته نجات ترکمنهای ایران معرفی مینماید، امروز به آن بمثابه یک پدیده "شر آفرین" مینگرد و سعی میکنند گریبان خویش را از آزارهای دائمی آن خلاص نمایند. این نظر هلی رقم سعی و کوشش پیروان خود هنوز موفق نشده است که در بین روشنفکران ترکمن جائی ثابت و در خور توجه باز نماید و بر آن تکیه بزنند.

در بین بعضی از روشنفکران ترکمن در مورد کانون نظر دیگری نیز مطرح است، که با نظر قبلی بنیاد متفاوت میباشد. این نظر "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" را مطمئن ترین وسیله جهت احیا و تحقق آرزوهای دیرینه مینداند، و تلاش مینماید تا با توسل به نام مبارک این پدیده مقدس!! مسائل و مشکلات جنبش ملت ترکمن را حل نماید. حاملین این نظر در عمل به مضمون کانون بمثابه یک مقوله تاریخی اجتماعی توجه چندانی نداشته و همدتا این اعتقاد را تبلیغ نموده اند که "کانون" نامی مقدس برای تمامی ترکمنهای ایران میباشد و به تنهای قادر است معجزات فراوانی را بیا فریند.

تاکنون محصول طبیعی این نظر، ظهور پیاپی چندین کانون در نقاط مختلف باسیاستها، و دیدگاههای نامگون و گاه کاملا متضاد بوده است که تاکنون وقت و انرژی قابل توجهی را صرف بحث های کشدار و جدل های بی ثمر نموده و بهدر داده است.

البته ما در این فرصت کوتاه قصد نقد و بررسی همه دیدگاهها و نظرات گوناگونی که در رابطه با "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" و جنبش نوین این ملت در بین روشنفکران ترکمن مطرح میباشد را نداریم و معتقدیم که به این امر مهم باید در فرصتی مناسب و کافی بدور از هر گونه برخورد های محور گریانه، پیشداوریهای جنجال بر انگیز پرداخته شود تا راه روشن و امید آفرینی که در جهت تفاهم و همکاری نیروهای ترکمن گشوده شده و تاکنون ملیر فم مشکلات و موانع موجود بخش قابل توجهی از آن در سایه تلاشهای صادقانه و برخورد های واقع بینانه این نیروها با موفقیت طی گردیده است بر بار تر

گردد، و توان مجموعه ما را برای تامین اهداف انسانی مشترکمان بیش از پیش افزایش دهد.

ایل گویجی بمثابه یک نشریه فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی در رابطه با ملت ترکمن، در طول حیات نه چندان طولانی خود فراز و نشیبهای فراوانی را طی نموده و از تندبچه های بسیاری گذر کرده است و در این رهگذر بارها حیات پر ماجرای او با خطرات جدی رو برو گردیده، ولی از آنجائیکه این نشریه با تمام توان و امکانات خویش همواره تلاش نموده است که در هیچ موردی بویژه در رابطه با مسائل جاری جنبش ملت ترکمن هرگز تسلیم دگم اندیش های فاجعه بار، شتابزدگیهای بیمورد، و یا برخی حسابگریهای کاسبکارانه نگردد، و وظایف خویش را بر پایه واقع بینی و صداقت پیش ببرد، تا با مرور توانسته است از آزموئهای سخت فراوانی سر بلند بیرون آید. بزدگی پر کوشش خود ادامه دهد.

ما ضمن اعتقاد باین واقعیت که "کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن" در شرایط ویژه ای از تاریخ ملت ترکمن شکل گرفته و بمثابه تبلور آرمان فرهنگی و سیاسی این ملت بعرضه وجود گذاشته است، بر این باوریم که این نهاد متعلق به تمامی ترکمنهای ایران بوده و همه نیروهای روشنفکر، آزاده و ترقیخواه ترکمن حق دارند و موظفند در بحث های مربوط به این مسئله فعالانه شرکت نمایند و در رابطه با تصمیم گیری در مورد سرنوشت آن ستم بایسته و شایسته خویش ادا کنند.

ما صرفا جهت پرهیز از دامن زدن به دعوای بی فایده بر سر نام کانون، عنوان "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" را از ایل گویجی حذف نموده ایم تا تکلیف نهائی این مسئله را کنفرانس سراسری روشن سازد.

★ ★ ★ ★ ★

اجلاس مشورتی

ترکمنهای مقیم آلمان

در تاریخ یازدهم دیماه سال جاری مطابق با یکم ژانویه ۱۹۹۲ میلادی تعداد قابل توجهی از ترکمنهای مقیم آلمان نشست مشترکی برگزار نمودند. در این نشست که بمنظور بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل مربوط به ترکمنهای مقیم آلمان و هم چنین مسائل اساسی موجود در رابطه با ملت ترکمن ترتیب یافته بود، حول محورهای زیر بحث و تبادل نظر بعمل آمد:

- ۱- بررسی تحولات جاری و وضعیت موجود در جمهوری ترکمنستان، کنفرانس "همبستگی انسانی ترکمنهای جهان" و موضع اجلاس در رابطه با آن
- ۲- بررسی وضعیت عمومی نیروهای ترکمن مقیم آلمان
- ۳- تعیین هویت اجلاس و چگونگی پیشبرد جلسات مشورتی

اجلاس پس از تصویب جمعی بحث های انجام گرفته و انتخاب چند نفر بعنوان هیئت هماهنگی جهت تدارکات و برگزاری نشست آتی بکار خود پایان داد.

به نقل از روز نامه اخبار روز چاپ سوئد
نویسنده - آندرس استین وال

آینده مهم آسیای

مرکزی

عشق آباد؛ بعد از کودتای ناموفق در اتحاد شوروی، سران حکومتی ترکمنستان اجازه دادند تا مجسمه لنین از خیابان اصلی پائین کشیده شود. همزمان با آن جماعت مسلمان این بخش عقب مانده تشویق گردیدند تا مساجد خود را دائر نمایند.

هنگامیکه در ۲۷ ماه اکتبر ترکمنستان اعلام آمادگی خود را برای استقلال طرح نمود، تصور میشد که تغییرات رادیکالی در آنجا بوقوع پیوسته است، اما در واقع هیچ اتفاقی نیفتاده است.

تحولات در ترکمنستان خود نمونه ای از آینده نامعلوم جمعیت ۵۰ میلیونی آسیای مرکزی است که در مقابل سرنوشت رو به انحطاط اتحاد شوروی قرار گرفته است. هر کجای این سرزمین که از سیستم شورائی ارث برده است همانند نقاط دیگر آنجا در ابهام و بی آسودگی بسر می برد. مناطق تمی دست شده از کولونیال دهساله که از طریق مسکو هدایت میشود تا بحال طرح هائی عقب مانده ای را به اجرا در آورده که در نوع خود شاید بزرگترین فجایع تاریخ

را دامن زده است. قحطی و خشکسالی و بی آبی دریاچه آرال نمونه ای از آنهاست.

امروزه دموکراسی جدید در اتحاد شوروی، با تفاوت هائی غنود محصول و نتیجه تلاشی سیستم و شکست قدرت حاکمه می باشد. سیستم کهنه با شیوه های باج و رشوه دهی متاطق تحت سیطره خویش را اداره می نموده است. این پنج جمهوری آسیای مرکزی، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان، از فقیرترین، عقب مانده ترین اجزای آن سیستم حکومتی می باشند.

آینده جدید

با وجود دشواری های اولیه می توان سیمای جدیدی را برای آینده جمهوری های شوروی و به طور مشخص برای حکومت های آسیای مرکزی شوروی ترسیم نمود. کما اینکه بعد از کوتاهی نافرجام اخیر، تحولات پرشتابی صورت پذیرفته است. اکنون آسیای مرکزی در مقابل حقیقتی قطعی قرار گرفته است، در همه جا مجسمه ها پائین کشیده میشوند،

اتحاد شوروی دیگر نمی تواند حیات طولانی داشته باشد. هر کدام از این جمهوری ها برای آینده خود راه مستقلانه ای را انتخاب خواهند نمود. در شرایط کنونی تمام دنیا این پنج دولت مستقل آسیائی را که در گذشته از دور افتاده ترین و فراموش شده ترین مناطق جهان بوده اند و تحت نظام شورائی اداره میشده اند، مورد توجه قرار می دهند. این جمهوری ها از رشد و توسعه مسوزونی برخوردار نمی باشند و به وضوح خط نمایی آنان را از هم دیگر جدا می نماید. قزاقستان که به لحاظ مساحت بزرگترین جمهوری هاست، از هم اکنون تاثیر و نقش خود در معادلات سیاسی و دیپلماتیک جهانی را به نمایش گذاشته است. نورسلطان نازاربایفه، رهبر فعلی قزاقستان می باشد.

شانس های بزرگ

قزاقستان که با نزدیک به ۱۷ میلیون جمعیت و منابع غنی طبیعی تحت سیستم حکومتی سابق کم تر مورد توجه بوده، در میان دیگر جمهوری ها شانس های بزرگی و آینده پر امیددی در بقیه در صفحه ۶

یک بررسی ساده از ...

زندانهای رژیم شاه جذب نموده بودند، عضویت هسته ها و تیم های سیاسی- نظامی سازمان فدائی را نداشته اند و در واقع چریک فدائی نبوده اند، این نیروها که هسته مرکزی آنرا دانشجویان و روشنفکران معدودی تشکیل میدادند، اندیشه فدائی را با برداشت های خاص خود تبلیغ می نمودند، در این میان دو علت اساسی وجود داشت تا در آن شرائط بین فدائیان ترکمن و سچفخا پیوند و مناسبات سازمانی صورت نپذیرد، یکی اینکه سازمان فدائی در طول حیات خویش تشکلی سیاسی - نظامی بود و انرژی عمده و پتانسیل نیروهای متشکله آنرا عملیات چریکی و تروریستی تلف می نمود و نیروهای فعال آن دائم در حالت جنگ و گریز با دستگاه پلیسی - امنیتی شاه قرار داشته، ارتباط سازمان با

کارگران شهری، دهقانان روستائی و خلقهای تحت ستم، ارتباطی مکانیکی و گسسته و خود این سازمان در سال ۵۵ بدنبال ضربات مرکب سواک آریامهری و شهید شدن فرماندهان و رهبران اصلی آن عملاً از کار افتاده و تا آستان انقلاب بهمن قادر به سازماندهی مسجده و متمرکز و به فعل در آوردن نیروهای هوادار نسبتاً زیادی که تحلیل ها و سیاست های نویینی را طلب می نمودند، نگردید، یکی دیگر از علل عدم پیوند فدائیان ترکمن با سازمان فدائی، موضوع مبارزاتی ویژه در ترکمنصرا بود که سازمان هیچ نوع تحلیل

و جمع بست و اطلاعات لازم در آن مورد را نداشته است. به طوری که در تمامی اسناد و مدارک باقی مانده از سازمان، به عنوان مثال حتی یک نمونه جزوه یا دست نویس، در مورد مسائل و موضوع مبارزاتی خلق ترکمن یافت نمی گردد.

بر بستر چنان واقعیاتی شکل های خود بخودی در نقاط مختلف ایران قائم بر ذات خود و تحت انورپیته تشکیل دهندگان آن بوجود می آمدند و هر کدام از شکل های هوادار فدائی، به زعم خویش اندیشه فدائی را مورد کاربرد و تحلیل خود قرار میدادند، در واقع آنچه را که می توان به عنوان محصول حرکت و تلاش فدائیان متمایز نمود، جزوات و نوشته های فدائیان شهید چون بیژن جزئی، پویان، احمد زاده و... بود که هواداران براساس درک مستقلانه خود از م-ل،

انتباس از آثار فدائی را در تلفیق از کسب و جزوات مارکسیستی مورد کاربرد قرار میدادند، بنابراین بدون ارتباط و وابستگی مطلق به سچفخا - جریان نوپا و خود ویژه در ترکمنصرا شکل گرفت، که مورد حیرت همه جریانات فعال سیاسی آن دوران قرار گرفته بود. در دورانی که فدائیان ترکمن به سازماندهی سیاسی نیروهای ترکمنصرا می پرداختند، مهم ترین استناد آنان در دفاع و تبلیغ از جنبش فدائی، آمار نسبتاً بالای شعای سازمان بود، امری که در آن دوران وجهه مبارزه جوئی ویژه ای را به سازمان مربوط می نمود. در

ذهن هواداران و شبفتگان اندیشه فدائی، حاله ای از ابهام در قبال چریکهای فدائی قرار داشت، چرا که آنان هیچ گونه تجربه عینی در برخورد و همکاری با فدائیان نداشته اند، شخصیت چریک فدائی، چون قهرمان اسطوره ای در اذهان و رویای آنان حضور می یافت، در این میان دو مسئله کمک جدی میکرد تا عدم حضور و غیبت چریک فدائی در روند کام کام مبارزات نیروهای جوان ترکمن بحران و سراسیمگی ایجاد ننماید. اولاً مخفی بودن فعالیت سازمان چریکها در دور فعالیت خود که طبیعتاً مسئله مرگ و زندگی برای چریکها بویژه در آن دوران دشوار مشکلات ارتباطی، جملگی نیروها را در حالت اقماعی و متعادل کننده قرار می داد، این شرایط خود به نیروی اندکی میدان میداد، تا تحت عنوان سمپاشیزان ارتباط یک جانبه ای را با فعالین متناسب به سازمان حفظ بنمایند. ثانیاً قابلیت و توانمندی نیروئی که در راس فعالیت ها مبارزات سیاسی نیروهای هوادار ترکمن قرار داشته و توانسته بودند شعارها و طرح های متناسب با الزامات و جنبش اتخاذ بنمایند. خود درجه اعتماد و جمعیت نیروها را به این طیف افزایش می داد. در این ایام پیرامون موضوع مبارزاتی اصلی دوران انقلاب، یعنی مسائل ملی و فرهنگی از یکطرف و مسائل ارضی از طرف دیگر، جنبش فدائیان ترکمن با هشجاری تمام در هدایت آن تجاربی ارزنده می-آموختند.

فدائیان ترکمن برای تلفیق

مبارزات ملی-دموکراتیک خلق ترکمن با سازمان فدائی، که با شرکت گسترده توده های شهری و روستائی در حالت اعتلائی قرار داشت و مستقل از تمامی جریانات سیاسی آن دوران حرکت ویژه و طبیعی خود را دارا بود، به برخی تاکتیک ها و شیوه های تبلیغات غیر واقعی متوسل می گردیدند. این شیوه و اسلوب مصنوعی که در تلفیق تمایلات ملی گرایانه و استقلال طلبانه خلق ترکمن با بینش فدائی متظاهر میگردد، امری بود که مطلقاً با واقعیات جاری انطباق نداشت چرا که نه اندیشه فدائی ملی گرائی بود و صدالبته آنان خود را انترناسیونالیست تر از توده ای ها می دانستند و نه اینکه سازمان فدائی کوچکترین تحلیل از روند مبارزات ملی گرایانه اقلیت های ملی داشت. در واقع پائین کشیدن آرمان و اندیشه انترناسیونالیستی سازمان، و انطباق آن با تمایلات ملی گرایانه خلق ترکمن، نشأت گرفته از اغراض و امیال باطنی فدائیان ترکمن بود.

در بین توده های ترکمن، از همان آغاز دو نوع واکنش ملموس در قبال سازمان مشاهده می گردید، روشنفکران و فعالین سیاسی که در جهت تعادل خود و انطباق گرایشات چپ و ملهم از اندیشه مارکسیستی-لنینیستی مورد قبول خود، نیازمند جریانی خط دهنده در عرصه نئوریک بودند نزدیکی و پیوند با سازمان را عمیقاً ضروری می دانستند. به زبان ساده تر در

آن دوران عیار واقعی و ارزنده بودن جنبش مارکسیستی نیروهای ترکمن را سازمان های سراسری معتبر می توانست محک بزند. بنابراین ارتباط و پیوستگی حرکت فدائیان ترکمن با 'سچفا' در درجه اول، مادی و عینی، یعنی سیاسی-تشکیلاتی مرکز نبوده است بلکه براساس واقعیات موجود کاملاً عقیدتی و آرمانی بوده است.

برای توده های مردم که انگیزش های ملی و رفع ستم های طبقاتی، آنان را به حرکت و میداشت، پیوند و همگامی با چریک فدائی همانند روشنفکران چپ زده، جنبه آرمانی و سیاسی نداشتند. بلکه آنان در تضاد تاریخی از نقش ملت فارس به عنوان ملت بزرگ و حاکم، همواره با نگرش آغشته بر بدبینی به هر جریانی که حامل فرهنگ ملت بزرگتر باشد می نگریستند. حتی بخش گسترده ای از خلق ترکمن بی اعتمادی و حساسیت خود به 'سچفا' را مخفی نیز نمی کرد، امری که در طول فعالیت مستقیم و تشکیلاتی سازمان در منطقه مشکلات جدی می آفرید.

به طور عمومی فدائیان ترکمن، طبق تاریخچه و عملکرد خویش در آستانه قیام عمومی بهمن ماه، به عنوان نیروهای کارآمد و پر توان توانسته بودند، قویترین آلترناتیو رهبری کننده را در میان خلق ترکمن بوجود آورند، رزم آنان انطباق کامل با مبارزات ملی-دموکراتیک خلق ترکمن داشت، برنامه ارضی مورد تبلیغ این جریان، مورد استقبال وسیع دهقانان ترکمن صحرا قرار میگرفت. مجموعه اقدامات و

فعالیت های سیاسی مستمر جنریانات فدائیان ترکمن برای خلق ترکمن ایران در بیانیه ای هشت ماده ای تدوین گردیده بود. این بیانیه بارها قبل از پیروزی انقلاب از طریق راهپیمائی ها و تظاهرات گسترده ضد سلطنتی خلق ترکمن، مورد حمایت کامل خلق ترکمن قرار گرفته و در فردای انقلاب و برچیده شدن بساط سلطنت و حضور عملی و تشکیلاتی 'سچفا' در ترکمن صحرا بیانیه ۸ ماده ای فوق، در واقع اساس برنامه و طرح خودمختاری خلق ترکمن محسوب می گردید. طرح یکپارچگی سرزمین ترکمنها، استرداد زمینهای غصب شده، آزادی زبان، فرهنگ و بیان خلق ترکمن و خلاصه خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خلق ترکمن بدست خویش از موارد مهم این بیانیه بوده است.

سازمان و جنبش ملی دمکراتیک خلق ترکمن انقلاب ضد سلطنتی به ثمر رسیده بود، مردم همه جا مجسمه های شاه را بزمی کشیدند، در سراسر ایران رهبری انقلاب مردم ایران، عملاً بدست خمینی و آخوندها افتاده بود، در مناطق اقلیت های ملی، بویژه در کردستان و ترکمن صحرا وضعیت دیگری حاکم بود، ملت قهرمان کرد و ترکمن به استقبال خمینی نرفتند. در کردستان حزب دمکرات مردم کردستان حول محور شعار دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای خلق کرد، رهبری جنبش ملی-دمکراتیک کردها را بدست گرفته

بقیه در صفحه ۱۱

آینده میبهم
 پیش رو دارد. نازاربایف که یک شخصیت هراکسماتیست و بازمانده ای از نسل قبلی در درون دستگاه رهبری سیستم شورائی است، همانند برخی رهبران جمهوری ها، در این اواخر گام های بلندی به جلو برداشته است. اپوزوسیون کوچکی که در داخل حکومت قزاقستان قرار دارد، برای این نقطه پای میفشارد که نازاربایف برای دموکراسی قزاقستان در واقع عملی انجام نداده است. از قبول مخالفین، نازاربایف حاکمیت دولتمردان سابق را در شکل و فرمی دیگر به اجراء گذاشته است.

همانند سیاستمداران واقعی و بخصوص همانند کورباچف، نازاربایف نتوانسته ظاهر خوبی را ارائه بدهد. و برای ایجاد شرایط و زمینه های نوین تحولات برای قزاقستان، خلاقیت چندانی نداشته است.

مدل کره جنوبی
 مسائل بفرنج و پوشیده ای مرتفع نگردیده است، کما اینکه مدل اقتصادی منتخبه در آنجا مطابق الگوی اقتصادی کره جنوبی می باشد. مدلی که تلفیقی از فرم اقتصادی و اعمال قدرت از بالا را در بردارد، اما در توسعه بافتگی آن تردیدی نیست.

اکنون کارشناسان برای کمک به اقتصاد خود ویژه قزاقستان به پایتخت آلماتا دعوت شده اند. نازاربایف عقیده دارد که همه مشکلات آنان ریشه در فقر و عقب ماندگی اقتصادی دارد. از نظر ایشان، مسائل اصلی برای تمام روسیه که حاصل یک وضعیت انکلی اقتصادیست، یکسان می باشد.

او می گوید، مردم باید واقعیات را بپذیرند و در مقابل مشکلات ایستادگی بنمایند.

در کنار قزاقستان که با بلند پروازیهایی برای مدرنیزه کردن جامعه به روئ، اعمال قدرت از بالا معتقد می باشد همسایه کوچکتری با ۴/۴ میلیون جمعیت قرار دارد. این جمهوری "قرقیزستان" است که با دموکراسی واقعی شکوفا شده به حیات خود ادامه میدهد. این جمهوری استثنائی در میان حکومت های آسیایی مرکزی می باشد.

نخستگان محافظه کار

رئیس جمهور ۴۸ ساله، عسکر آقاییف، فیزیسین برجسته سابق، دژ مدتی کوتاه چهره حکومت کوچک خود در همسایگی چین کمونیست را تغییر اساسی داده است. بعد از انتخابات غیر منتظره پارلمانی قرقیزستان در سال گذشته، آقاییف موفق شد تا محافظه کاران قدرتمند و کهنه کار را کنار زده و آیینده امیدوار کننده ای برای حکومت ترسیم بنماید.

در حقیقت تنها مشکلی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری وجود داشته، عدم شرکت رقیب یا رقبای ریاست جمهوری بوده است. آقاییف توانست با ۹۵٪ آراء موقعیت خود را تثبیت بنماید. اما تک نامزدی و بی رقیب بودن، مسئله و مشکلی در انتخابات این دوره بوده است. در دوران رهبری آقاییف، قرقیزستان اصلاحات اقتصادی دوررسی را تجربه می نماید، بخش ها و مراکز اقتصادی وسیعی به شکل خصوصی در می آید.

ملاقات با یوش

رهبر قرقیزستان تلاش می نماید تا کشور خود را به جهانیان بشناساند. اخیرا آقاییف که به واشنگتن دعوت شده بود، با سران قدرت آمریکا از جمله یوش رئیس جمهور، ملاقاتی داشته است. آقاییف در حال حاضر، یک استفسانگ و یک چهره درخشان در میان رهبران آسیای مرکزی می باشد.

ازبکستان نیز با ۲۰ میلیون جمعیت، (هر جمعیت ترین جمهوری آسیای مرکزی)، از طرف دیگر، هنوز هم با مدل قدیمی حکومتی اداره میشود. بعد از تلاش نافرجام برای بازگرداندن موقعیت شوروی، در ماه آگوست، فقط یک نفر توانست به عنوان سازمانده، تغییرات ظاهری در ازبکستان بوجود بیاورد. این شخص "اسلام کریم اف" رئیس جمهوری فعلی ازبکستان می باشد. یاد آوری میگردد که در پی تحولات اخیر، حزب کمونیست منحل اعلام میگردد ولسی در واقع امر نام حزب به "حزب دموکراسی" تغییر داده میشود و هنم اکنون این حزب (جدید نامیده شده)، عهده دار تمامی اموال و دارائی های حزب منحل کمونیست در ازبکستان می باشد.

"اسلام کریم اف" رئیس جمهور، در میان اپوزوسیون، که جرئت یافته و در درون حکومت خواستار اصلاحاتی می باشند، فضائی از ترس و تهدید بوجود آورده است. یک دسته اصلاح طلب در مدار حکومت اگر بخواهند اصلاحات دموکراتیکی انجام بدهند، کریم اف باید فشارها را کاسته و افسارها را ول بنماید.

در تاجیکستان با حدود ۳ میلیون جمعیت مبارزات علنی بقیه در صفحه ۱۰

مئلی تاچ مرادف

نامی جاویدان در موسیقی ترکمنی

مئلی تاچ مرادف نوازنده و آهنگساز بزرگی است که هنر موسیقی ملی خلق ترکمن را در حد مقدسات خود گرامی داشته و برای کسب اصالت تاریخی و ارائه آن به خلق خود با تمام ظرافت و دلنشینی اش تمامی تجربیات حیات خود را صرف آن نموده است. این شخصیت انسان دوست و انسان پرور، سازهای ترکمنی را خیلی دوست می داشت، ولی نه تنها به نواختن استادانه آهنگها بسنده نمیکرد بلکه انتقال تمامی دانش و تجربیات خود به جوانان و پرورش آنها را وظیفه می دانست، و سی به گروههای بسیاری



بر اساس میزان و قدرت خلاقیت معنوی آن ارزش گذاری میشود. هر خلقی اگر بتواند با بکارگیری نبوغ خود به توشه انسانیت خلق خویش هر چقدر دانش، هر چقدر زیبایی بیافزاید بهمان میزان خلاقیت خلق خویش را اثبات نموده، تاریخ نابود نشدنی خلق خود را می نگارد تا الگویی برای نسلهای آینده باشد. تاریخ، ادبیات، موسیقی و سازهای خلق ما طی سختترین دوران حیات خود شکل گرفته و بار سنگین تاریخچه زندگی خلق خویش را در خود جای داده است. به همین علت ما نسلهای امروزین به الگوهای منیرات گذشتگانمان فخر ورزیده،

آهنگهای مئلی آقا هر شنونده ای را به فکر کردن واداشته، به روحیات و اخلاقیات وی معنی تازه ای می بخشد.

از جوانان رموز ظریف و سحرآمیز موسیقی ترکمنی را با روحیه ای خستگی ناپذیر آموزش می داد و برای دستیابی آنها به درجات عالی نوازندگی از هیچگونه حمایتی دریغ نمی ورزید. خود مئلی آقا هم سازهایی را که منطبق با روحیات و روانشناسی دوران معاصر خود، بود آفریده است. علاوه براینها وی تمامی تلاش خود را برای آرایش، تکمیل و ترمیم آن و رشد

و تکامل صنعت موسیقی ملی خلق ترکمن جمت نائل گردیدن به درجات برتر بکار برده است. مطلبی را که هم اکنون می خوانید خاطرات یکی از شاگردان او بنام خدای بردی دردیف و همچنین همکار و مونس مئلی آقا بنام کلدی دولتا است که بمناسبت ۱۰۰ - مین سالگرد درگذشت این استاد بزرگوار تهیه گردیده است. ارزش و شخصیت هر خلقی نه بر اساس شمار کمی آن خلق بلکه

به شاعر کبیرمان مسختمو مقطوبه اشعار آن افتخار می کنی و به انواع صنایع بی همتا ظرفیمان که با خلاقیت ذهن بدست آمده احساس غرور نمو به صنعت ترانه سرائی، به صنعت موسیقی مان، به باغشیا آهنگسازان توانمندان می بالیم شخصیتی که در حال حاضر از سوی ایسل و تبار خلتمان تجدی خاطره می شود یکی از استادان گرانقدر و با ارزش ماست. ما او همچون نام عزیزتر عزیزانمان چون نام پدران مادرانمان همیشه در قلبمان است. ساز و آهنگ او توسط مادرانمان در احساسات و ذهن ما جای گرفته است. با گذشت

زمان ما بیشتر به اهمیت و سم او در رشد و تکامل هنرموسیقی ملی مان پی می بریم. با رشد و تکامل معنویات خلقتان، جذابیت ما نسبت به سازهای او بیشتر و بیشتر می گردد. هر چه زمان از 'مقامهای' آفریده او بگذرد نه تنها کهنه نمی شوند بلکه بالعکس با گذشت زمان در بین

مستندهای متنوع و تجربیات گرانقیمت آموزگاران علم موسیقی خلق ترکمن می باشد. در آهنگهای او شکل آهنگ مناسب با مضمون تنظیم شده اند. به گفته خود وی میزان فشار انگشتان بر روی پرده های دوتار حساب شده در نظر گرفته شده است. وقتی به این آهنگها گوش می کنیم نه تنها احساسات شونده

این ویژگی تنها بخاطر وابستگی ملی آن نبوده، بلکه این امر ناشی از وجود خصای سنتی آن، معنی دار بودن هر یک از بندهای ساز او، مهارت ارائه فرم، سنگینی آواز، بالاخره وجود عنصر متانت در مقامین سازهای وی از جمله عوامل مهمی هستند که 'مقامهای' مثالی آقا را در جایگاه والا

"مقامهای" مثالی آقا خود نتایج دانش و تجربه خلق ما در عرصه موسیقی اصیل مان است. آنها عصاره های هنر خلاقیت و دانش و شعور خلق ماست. طبیعتا چنین مقامهایی در جهت رشد روحیه خلاقیت و تجربه اندوزی طرز بیین دوستداران هنرموسیقی اصیل خلق ما تاثیر بسزایی خواهد داشت.

شنوندگان و دبیر آهنگسازان ملی خلق مان جایگاه ویژه ای کسب کرده، در قلب آهنگ سازان نسلهای امروزمین ما به منبع تعبیه نتهای موسیقی آهنگهای آنها تبدیل میگردد. ما وقتی در مورد پاکسی و مقام والای اخلاقی انسانی صحبت می کنیم می گوئیم: هم چون سازهای مثالی آقا است. برای اینکه نام او در بین خلقتان بعنوان مسطر پاکسی و درستکاری آورده میشود. چنین پاکسی و چنین درستکاری در بطن سازهای دست نیافتنی او نهفته است.

بلکه ذهن او هم تحریک میشود. با شکل گیری نوین دنیای ساز خلق ترکمن و نواختن آن انگار تمامی آرزوها و امیال درونی شونده در مقابل چشمان آنها از صفحه نمایش می گذرند. بهمین جهت موقع شنیدن آهنگهای او گوشمان به شنائی کفایت نمی کنند.

در صنعت موسیقی خلق ترکمن قرار می دهد. زمانی که با خیال فراغذ سازهای مثالی آقا را می شنویم، در سازهای آن نغمه های غه انگیز و سوزناکی را که حاکم از بیان درد و رنج تاریخی خلق ماست هم چون گره های قالی

آهنگهای مثالی آقا هر شونده ای را به فکر کردن واداشته، به روحیات و اخلاقیات وی معنی تازه ای می بخشد.

مان بر سینه ها نقش می بندند. لذتی را که از شنیدن سازهای او می گیریم نمی ن با آهنگهای کنسرتها و سمفونیهای آهنگسازان تشبیه کرد.

مقامها و سازهای مثالی آقا نه تنها متناسب با روحیات و ویژه گیهای دوران خویش تدوین شده بلکه متنطبق با نیازمندیهای معنوی عصر کنونی بوده، ویژگی گیهای دوران معاصر را نیز در خود جای داده است. بطوریکه آهنگها و سازهای او نه تنها سالامندان بلکه روشنفکران و نسلهای امروزمین را نیز به خود جلب می نماید.

در اینجا مادر صددرد و یا تعبی کردن دیگر سازهای مردمی نیستیم، بلکه صحبت سر قدرت و ارزش سازهای هنری و حرفه ای خلق ماست. این چنین زیبایی و خاصیت مردمی آن را نمی توان در دنیای ساز و موسیقی دیگری یافت. 'مقامها' نیز همچون آدمها

گوراوغلی

آفتاب تابان شرق در ادبیات حماسی

بخش دوم

گوراوغلی دك داغدان - داغا اوغراسام

غاننغم جانین غیمیم - غیمیم دوغراسام

ششیروان... و فرهنگي (درکسیری های مذهبی، تشیع - تسنن و کاهان مسلمان و مسیحی) دوام داشت. در انتهای ص ۶ مقاله آمده است که: فارس ها بالاجبار تا قاراباغ (غاراباغ) رانده شده بودند به جنگ پارتیزانی روی آوردند. چه فاکت تاریخی دارند که نشان می دهد منطقه غاراباغ و اطراف آن سرزمین فارسها باشد؟ چندسطر بعد آمده که: در سال ۱۶۵۵ - ۱۶۵۴ ایرانیان (تا حال فارسها بود حالا ایرانیان شد. ا. ک) موفق به باز پس گیری شهرهای ایروان، تفلیس، گنجه و چند شهر دیگر گردیدند و آنان تا سال ۱۶۵۶ در تصرف خود نگه داشتند. حال دوست ما ایسلی یا مولف مقاله نه تنها به ترکی ها بلکه به کرچی ها و ارمنی ها هم جواب دهد. چون بیروان (ایروان) و تفلیس سر زمین فارسها نیست عجب آنکه

تاریخی که مورخین مغربی مسیحی و اروپایی در باب تاریخ ترکان مطرح کرده اند، ذکر شده است و مترجم محترم بدون اظهار نظر درباره آنان و به نقد و تحلیل کردن صرفا به تکرار اراجیف آنها می پردازد در حالیکه تعدد ملی مترجم مانفوق یک ترجمه صرفا است.

سرزمینی که امروزه بنام آذربایجان نامیده می شود قریب است که مسکن ترکان میباشد. جنگهای میان صفویان و عثمانیان (در مقاله اشتباه ترکیه ذکر شده است. ترکیه نام رسمی و سیاسی این کشور در اوائل قرن حاضر است) که از نبرد چلدران شروع شده مدت های مسدیدی بخاطر تضادهای اقتصادی (کنترل جاده ابریشم و راههای بازرگانی)، سیاسی (تسلط بر نواحی ترکی نشین منجمله ترکمن های آق غویسونلی و شهرهای گنجه،

با توجه به گستردگی روایات گوراوغلی و وسعت شاخه های آن شاخه مربوط به تولد گوراوغلی در واریانت ترکمنی آن همراه با جای پنجه پیر در پشت گوراوغلی همراه است. حتی در شاخه قیرآت اوغورلانشی (دزدیده شدن قیرات) هنگامی که وی بطور ناشناس به نیشابور رفته و اسبش را از چنگ خان در می آورد دربین راه در اطراق گاه "آقارضا" چوپانش استراحت می کند و وقتی خبر مرگ گوراوغلی را به چوپان می گوید چوپان باور نکرده در حین خواب پیراهن وی را بالا زده و وقتی از وجود پنجه در پشت وی مطمئن میشود فریاد "آغام زنده است" را با شادی و هیاهو در دشت می پیچاند. در حالیکه این شاخه در سایر واریانت های گوراوغلی وجود ندارد. در مقاله ارائه شده توسط ایسلی چندین اشتباه فاحش

بقیه در صفحه ۱۰

خاطره كه

اوقو كه ره ك

مکتب گ ره ك

تورکمنچه

در خود مقاله به تصرف و اشغال این مناطق توسط ایرانی ها اعتراف شده است در حالی که پان ایرانیست های از قماش محسن پزشکیان مدعی اند که این شهرها دراصل متعلق به قوم فارس است و تحت تسلط آنان باشد و شهرهای قفقاز و غیره به ایرانیان برگردانده شده. دوست ما ایلیلی می بایست در ^{سطر} مقاله خویش وقتی مسئله حساس را مطرح می کنند بسیار دقیق و هوشیار باشند.

در صفحه ۸ مرقوم فرمودید: " بطور نمونه اگر روایت آذربایجانی آنرا در نظر بگیریم محققین جنبه های مردمی، ضدیت آن با مذهب سالاری، خصائل مثبت و عامیت آن ... را مورد تاکید قرار می دهند."

مؤلف مقاله هیچوقت به روایت ترکمنی کور اوغلی استناد نکرده است و این نمونه مشخص در عامترین شکل آن بی غیره مؤلف از واریانت ها ترکمنی و در نتیجه ناقص بودن تحقیق ایشان است. محققانی که ضدیت کور اوغلی را با مذهب سالاری مورد تاکید قرار می دهند آیا در متون کور اوغلی به پیریم شاه مردان سندن مدد " اولیالار، مدد، پیریم ... بیسه نه ور " آی یارانلار مسلمانلار نامرد مرد اولدی ... " اوق آنتلار غلاسنندان، حاق ساقلاسنن بلاسنندان " اوقا باش واغتی آخرت دا ایسمان همراہ بولسون: " خواب دیدم اولیا آمدند، چشم کشودم

جمله جهان را دیدم شاهمردان را دیدم والخ، برخوردار نکردند؟ کور اوغلی به گاه رزم چون شیر می غرد، در مجالس و ضیافتها باغشی محزون، همسری وفادار برای آغایونس پری است، موقع پیکار با دشمن از الله، رسول خدا چهاریار و اولیاء الله مدد می طلبد. این خصیصه رزم وی است. در اویش و پیران و قلندرها در کنار وی در چاندی بیسل مسکن دارند و عزیز کور اوغلی اند.

در خاتمه نظر خوانندگان را به کتابی تحقیقی درباره کور اوغلی که توسط رحیم رئیس نیا " باعنصوان کسوراوغلو در افسانه و تاریخ " انتشارات نیما - تبریز ۱۳۶۶، جلب می کنم. محقق نامبرده در اثر خویش تمامی واریانت های آسیای میانه و قفقاز و اروپایی کور اوغلی را جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

بار دیگر برای دوستانی که درباره تاریخ و فرهنگ ترکمن با سلاح مقدس قلم پیکار می کنند آرزوی موفقیت دارم.

★ ★ ★ ★ ★

آینده میهم ...

برای کسی قدرت ادامه دارد. اکثریت کمونیستها که ترکیب پارلمان را تشکیل میدهند، جهت اعاده حیثیت و تشبیت موقعیت نسوین خویش، در اواخر ماه سپتامبر یک کوفای پارلمانی را دامن زده اند.

واژگونی مجسمه لنین

واکنش کمونیستها بدنبال واژگونی مجسمه بزرگ لنین در پایتخت دوشنبه پدید آمد. کادرالدین اصلانوف رئیس جمهور موقت اعلامیه ای صادر کرد و فعالیت حزب کمونیست را ممنوع اعلام نمود. قدرت حکومتی تاجیکستان چندان قوی نیست و اپوزوسیون آن به طور واضح و به عنوان مثال از ازبکستان قوی تر است.

در ترکمنستان که به لحاظ جمعیت با حدود ۳٫۵ میلیون نفر (از کم جمعیت ترین جمهوری هاست)، همان حکمرانان کهنه کار با چنگالهای قوی خود، حکومت را در کنترل خود دارند. رئیس جمهور ساپار مراد نیازوف که با دستان آهنین حکمروائی می کند، خیلی سریع در مقابل فعالیت اپوزوسیون جا خالی داد.

هنگامیکه نیازوف اجازه پائین کشیده شدن مجسمه لنین از خیابان اصلی پایتخت (عشق آباد) را داد خسیلی از مخالفین نتوانستند بر علیه ایشان سخن بر اعتراض بکشایند. چقدر ریاکاری و رندی! که درک آن دشوار است. بعد از کورتای نافرجام، نیازوف درک نموده بود که شعار استقلال ترکمنستان بایستی بعد از یک همه پرسی طرح گردد. در واقع چنین نیز شد.

در ترکمنستان که در تلاقی بسیاری از مسائل مهم آسیای مرکزی قرار دارد، کشت و سیح پنجه صورت می پذیرد. زراعت پنجه که از سال ۱۹۲۰ مستقیماً با دخالت و برنامه ریزی مسکو، اداره میشده است،

مسائل بسیار مضر بهداشتی برای جامعه ترکمنستان ایجاد نموده است. علت این است که هنوز هم در کلخوزهای کشت پنبه برای بهره برداری بیشتر از مواد و سموم شیمیایی استفاده میشود که استعمال دامنه دار این مواد، باعث بسیاری ضایعات و امراض می گردد. کما اینکه میزان مرگ و میر در ترکمنستان از تمامی نقاط دیگر بمراتب بالاتر میباشد.

مرگ و میر نوزادان مرگ و میر نوزادان خود معمای بزرگی است که بزرگترها عادت کرده اند با سکوت از کنار آن بگذرند. DN در دیدار خود از جمهوری ترکمنستان خواستار ملاقات با دو پزشک در عشق آباد میشود. این دو پزشک حاضر به ملاقات نمیشوند و از دادن هر نوع اطلاعات تحقیقی برای روشن شدن حقایق سرپیچی می نمایند. ترس آنان در واقع از دست رفتن شغل و موقعیت اجتماعی شان بوده است.

آبیاری پنبه جات که بی رویه صورت می گرفته، باعث خشکی آب دریاچه "آرال" که زمانی چهارمین دریاچه پر آب جهان بود گردیده است. به طوری که اکنون کشتی های لای روب، حداقل ۱۰ میل، دور از سواحل پر آب قدیمی مشاهده میگردند.

یکی دیگر از وجوه مشترک کشورهای آسیای مرکزی، پدیده وسیع رشد سریع و فزاینده "اسلام" می باشد. هم اکنون در همه جمهوری ها، میزان احداث مساجد مسلمانان بسرعت بالا می رود. پیشوایان مذهبی نقش برجسته ای می یابند خود این مسئله که در آینده، این اسلام با کدام مضامین و چگونه پیاده

خواهد شد، معمای بفرنجی است که نمی توان از حالا پاسخ روشنی به آن داد. پیروان اصلاحات دموکراتیک از آن بیم دارند که رشد اسلام بنیادگرا، و تغییر شرایط سیاسی، پی ریزی یک حکومت توتالیته و منکی بر منطق چماق و زور را در بر نداشتند باشد. برخی نیز عقیده دارند که در شرایط فعلی شوروی، اسلام بنیاد گرا نمی تواند مشکلات اساسی بوجود آورد. اما هر واضح است، در شرایط کنونی که ستاره لنین از آسمان شوروی افول نموده است، خیلی از مردم به طرف الله، می چرخند.

ترجمه از قایلی



یک بررسی ساده از

بود، در بلوچستان و مناطق عرب نشین جنوب، هر چند آلترناتیو سازمان یافته برای ارتقا مبارزات ملی و دموکراتیک این ملیتها شکل نگرفته بود، و بدلیل عدم رشد و انسجام در معرض سرکوب قرار داشت اما در ترکمنصرا توده های خلق ترکمن به دور روشنفکران و نیروهای جوان که در راس آنان فدائیان ترکمن قرار داشتند حلقه زده بودند.

از آنجا که شیوه و اسلوب مبارزاتی این جریان مبتنی بر دموکراسی قوی و دیرینه ترکمنها بود، پیوند خیزش آزادیخواهان خلق ترکمن با جریان فدائیان ترکمن، براساس اعتماد متقابل و اصل رسالت بخشی پیش می رفت. خلق ترکمن به طور مشترک و یک

پارچه، رستگاری و راه آزادی خویش را در اتکاء به این نیروی

جوان و کم تجربه جستجو میکرد. بنابراین جریان فوق، به عنوان نیروئی رسالت بخش و منکی به اراده و تمایلات میلی دموکراتیک خلق ترکمن عملا به سطح رهبری ارتقا یافته بود، در این شرایط همه چیز و براساس اعتماد متقابل پیش میرفت، بنیادگذاری دو نهاد مشهور و تاریخی، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمنصرا، دقیقا براساس ضرورت ها و مبنی بر انگیزش های دموکراتیک خلق ترکمن شکل گرفته بود. مردم زحمتکش از کوشه و کنار ترکمنصرا و از دور افتاده ترین روستاها به حمایت از نهادهای استقرار یافته می شتافتند. کانون و ستاد خانه

مردم ترکمن و جایگاه وحدت خلق ترکمن گردیده بود. انکار آرزوی دیرینه خلق ترکمن که همواره در تفرقه نگه داشته میشد، بوقوع پیوسته بود. مردم ترکمن تنفر خود از رژیم آخوندی و در مقابل تبعیت خود از این نیروهای جوان و پرشور را در اشکال متفاوت به نمایش می گذاشت. پزشکان، فرهنگیان، روحانیون مترقی و وکلای طراز اول خلق ترکمن با حضور عملی خود در نهادهای ایجاد شده با آنان عهد و میثاق می بستند و با فداکاری تمام همکاری می نمودند. برای دفاع از دردمندان و محرومان، حمایت از بیماران و ضغفا جوانان شعری دسته دسته و گروه گروه به سوی نقاط محروم می شتافتند.

مهندسين و تکنسین های انقلابی به تکاپو افتاده و آماده



سازندگی می گردیدند، روستائیان و دهقانان محروم چون سلی بنیان کن به حرکت در می آمدند و با تشکیل دادن شوراهای دهقانی، زمینهای غصب شده را مصادره انقلابی می نمودند. در یک کلام انقلابی شکوهمند، دموکراتیک و واقعی در ترکمنستان شکل گرفته بود که در نوع خود و در سراسر تاریخ زندگانی ترکمن های دنیا بی سابقه بوده است. ضد انقلاب و نیروهای بازدارنده و ارتجاعی عملاً منزوی و طرد گردیده و راه بقا و ادامه توطئه گری و آتش افروزی خود را به جای سلطنت و شاه، اینبار در میثاق و همراهی با خمینی و رژیم آخوندها یافته بودند. در آنچنان اوضاع و احوالی و بر بستر چنان خیزش و حرکت آزادپخواهانه خلق ترکمن، سازمان چریکها به سوی ترکمنستان شتافته و مستقیماً بر روند جنبش منطقه به تاثیر گذاری و اعمال سیاست می پردازد.

در بررسی از تاثیر و نقش «سچفخا» در پراشیدگی و عملکرد جنبش ملی-دمکراتیک خلق ترکمن مقدماً بر این واقعیت بدیهی تاکید میگردد که ایده فدائی و مناسبات آرمانی و فکری با سازمان، خود تاثیرات دوگانه و متضادی را بر گرایش نیروهای جوان ترکمن بر جای گذاشته است. ایده فدائی بر بستر رزم مستقلانه و ملی آنان فراروئیده بود، امری که به وحدت و انسجام نیروها و گزینش پلاتفرم و آماج های مشترک برای آنان کمک شایانی می نمود درک سازمان از انترناسیونالیسم

پرولتری و استقلال سیاسی آن از قطب بندی های جهانی (چین و شوروی) بر خلاف حزب توده و حزب رنجبران، امکان مانور را برای نیروهای جوان و کم تجربه ترکمن صحراً فراهم می نمود تا آنان مستقلانه به سیاست گذاری و هدایت جنبش ملی-دموکراتیک منطقه بپردازند. اما از دیگر سوی همین نیروی جوان و مستقل بدلیل آغوشنگی به اندیشه چپ و مارکسیسم، از آفت طبقه زدگی مبرا نبوده است. به طوریکه در سابق تفکر پیشینه داری بر روشنفکران چپ ایرانی حاکم گردیده بود که به خاطر انجماد و طبقه زدگی، همه چیز را کاستی میدید و از نگرش واقعی بر پدیده ها عاجز بود. این اندیشه به خاطر دکماتیسم و جذمیت نمی توانست خلاق و نوآور باشد. کپی برداری، تطبیق حرکت ها و تحلیل و بررسی آن بر بستر الگوها و مدل های قبلاً پذیرفته شده از عوارض چنان اندیشه دکماتیک بوده است. این اندیشه دکماتیک آنگاه که به سراغ واقعیت ها می آمد، از دریچه و عینک خاص خود به تحلیل آن می پرداخت، مبارزات مستقلانه و واقعا ملی و دمکراتیک خلق ترکمن آنگاه که با متدها و الگوهای طبقاتی مرسوم آن دوران تلاقی نمی نمود، با شدت تمام به عنوان آنارشستی ناسیونالیسم کور و ... در معرض دشنام و پرخاش قرار می گرفت. از دیدگاه این دستگاه منجمد و بورکراتیک فکری که حتی جریان فدائی نیز در اساس برآنگونه توهمات گرفتار بوده است، هر حرکت و خواسته ای اگر چنانچه مطابق با اهداف و

برنامه های انترناسیونالیسم پرولتری نباشد، محکوم به عقب ماندگی و ارتجاعی میگردد است. از دیدگاه این دستگاه منجمد فکری، کردارها و تمایلات خلاقانه بشری، در حد منشاها و کردارهای مکانیکی یک طبقه نزول داده می شود. این ذهنیت و چنین اندیشه ای نمی توانست مسائل بفرنج و پیچیده یک ملت، برآیند واقعی و تمایلات و اشتراک آنان را درک بنماید. به طوریکه نه تنها جریانات وابسته به قطب بندی های جهان کمونیستی بلکه سازمانهای برخاسته بطن مبارزات حق طلبانه ملتهای تحت ستم نیز بدلیل آغوشنگی به چنان اندیشه و دستگاه منجمد فکری از درک مسائل ملی باز می ماندند، در واقع نقطه منفی و متضاد اندیشه فدائی، علیرغم استقلال از مراکز قدرت کمونیستی، بر طبقاشی و کاستی دیدن پدیده ها و بر این سیاق در تحلیل از امر ملی خلق ترکمن استوار بوده است، امری که از ورود سازمان به منطقه، منشا دوگانگی برخوردار سازمان با جنبش خلق ترکمن، شکل گیری اختلافات بین نیروهای سیاسی فعال ترکمن با نمایندگان اعزامی سازمان می گردید، این دوگانگی برخورداران ملی و برخورداران برلکه مسائل طبقاتی و ارضی، باعث انحراف جدی از پرداختن به مسائل ملی گردیده و انشعابات، اختلافات و تفرقه های بیشماری را نیز باعث گردید که خود آن بررسی ویژه ای را می طلبد.

مهمزمان با ورود به بحث

مثلی تا چ مرادف با بیان شیرین و خوش آوای خویش تجربه اندوخته، مقتدر و نیرومند می شوند. آوازهای برآمده از چنین مقامها هم دلنشین و هم آهنگهای آنها پاک و سحرآمیز می باشند. چنین مقامهای را هر چقدر گوش کنیم بچنان میزان نیازهای روحیمان بیشتر احساس می شوند. مقامهای مثلی آقا خود تباین دانش و تجربه خلق مادر

بلکه وی در مقامهای خود هنگامه های سخت تاریخی خلق خویش را نگاشته است. در سازهای آن می توان از یکسو پاکترین و ابسنتگی احساسات ملت خویش و از سوی دیگر درد و رنجی را که خلش سالیان سال جبراً متحمل گردیده است، احساس نمود. مثلی آقا در شرایط کنونی نیز بعنوان استاد آهنگسازان توانمند دوران حاضر ماست. ارج و جایگاه مثلی آقا در بین

انگار که صدای دلنواز آهنگهای مثلی آقا را که از دوتار قهوه ای رنگش بر می خیزد، می شنویم. دوران نوازندگی مثلی آقا برای نوازندگان دوران معاصر، حاوی مجموعه ای از درسهای زندگی هنر موسیقی خلق ماست. قدرت و قابلیت ذهن طبیعی هر چقدر هم تیز و قوی باشد تنها تحت شرایط بهره گیری از قدرت ذهن خلق خویش ارزش و جایگاه واقعی را در بین خلق

برای رشد و تمدن یکا خلق، آموختن میراث های بجای مانده از گذشتگانمان و بدان ختوگرفتن کافی نیست، بلکه بایستی میراثهای گذشتگانمان را از میان مردم خلقمان جمع آوری کرده، آنها را صیقل داده تا آنهاجا که متناسب با نیازمندیهای روحمان در عقایدمان جای گیرند و در ادامه بتوانیم آنها را به نسلهای بعدی منتقل نمائیم. چنین است وظایف انسانی که مبارزه و تلاش برای رشد و تمدن خلق خویش می کنند.

عرصه موسیقی اصیل مان است. آنها عصاره های هنر خلاقیت و دانش و شعور خلق ماست. طبیعتاً چنین مقامهایی در جهت رشد روحیه خلاقیت و تجربه اندوزی در بین دوستانان هنر موسیقی اصیل خلق ما تاثیر بسزائی خواهد داشت. بر این اساس است که اگر نویسنده ای از فیش چنین مقام هائی بهره مند شود قلمهای وی خود بخود بحرکت در می آید، اگر شاعری گوش فرا دهد فی السباده بیتهای نوینی از یک شعر در ذهن او نقش می بندد و... دلیل چنین امری صرفاً در خوش نوازی مثلی آقا نیست

آهنگسازان دوران معاصر ما صرفاً بخاطر نمونه برداری از آهنگها و سازهای وی نبوده بلکه ناشی از درجه تعلیم و تاثیر پذیری آفریده های او در روحیه خلاقیت آهنگها و سازهای هنرمندان معاصر ماست. هنگامیکه ما سمفونیهای ولسی بخاوف را گوش می کنیم، پیانوهای نماینده ای نوری حال محدوداً را هم می شنویم و با به اثرات آشتوتلی اوف، چاری نوریمف، آمان آقا جیکف و همینطور به اثرات دیگر سازندگان و آهنگسازان معاصرمان گوش فرا می دهیم

خود کسب می نماید. برای رشد و تمدن یک خلق، آموختن میراثهای بجای مانده از گذشتگانمان و بدان خو گرفتن کافی نیست، بلکه بایستی میراثهای گذشتگانمان را از میان مردم خلقمان جمع آوری کرده، آنها را صیقل داده تا آنهاجا که متناسب با نیازمندیهای روحمان در عقایدمان جای گیرند و در ادامه بتوانیم آنها را به نسلهای بعدی منتقل نمائیم. چنین است وظایف انسانی که مبارزه و تلاش برای رشد و تمدن خلق خویش می کنند.

ایلیم گونتم بولاسا ، آیم گونتم دو غماسئن

برای دست‌نهایی به درجه استادای بایستی درد و رنج راه رسیدن را تحمل کرد. چنین کاری را باید بدون هیچ چشم داشتی از نتیجه کار به سرانجام رساند. بایستی آنچه را که آموختیم و آنچه را که در راه رسیدن بدان تحمل کردیم بدون هیچگونه انتظار و چشم داشتی به خلق خویش بخشید، آنکس که بتواند چنین کاری را انجام داده، از هر گونه خصایل مخرب از جمله خسیس بودن،

تحت هر شرایطی بر این درسهای گرانقیمت زندگی هنر موسیقی مراجعه کنیم و مراجعه خواهیم کرد.

مثالی آقا با تمام سادگی خود انسانی دانا بود. همچنین با سادگی خود سخنان قصاری از او بر منی آمد. او می گفت: انسان از دو منبع تغذیه می کند که هر دو در قلب ملت ریشه دارند یکی نان و نمک آن و دیگری ساز آن خلق است. هر انسانی اگر بتواند از این دو عنصر خود

باید هنرزیبایی
موسیقی هر سازنده ای
با زیبایی و پاکیزگی
اخلاق آن در هم
آمیزد، نباید زیبایی
هنرموسیقی را با حرص
جاه طلبی و مقام
پرستی در آمیخت.

را سیراب نماید بدانید که هیچ لطمه ای از طرف او به خلق وارد نخواهد آمد.

آری: دردوران معاصر ما این سخنان او بعنوان سوگند حیات وی بود. او در مدت حیات خویش نه تنها هیچ لطمه ای به خلق خود وارد نیاورد بلکه با هنر زیبایی خویش زینت و آرایش تازه ای به خلق خود بخشید.

امروز ما بهمراه ملت خویش بار دیگر قدرت هنر موسیقی آن و خاطره تابناک او را یاد می کنیم. هنر او بحق هم قدرتمند و هم توانمند میباشد. در آن درجه بالای مهارت و شبح در هنر موسیقی و پاکسی خلوص نسبت به خلق خویش جای گرفته است. در آن موجودیت ابدی حیطه حیات ملت مان نقش بسته است.

آلپ تکین



یک بررسی ساده از سازمان و نقش آن در فرازهای ملی -دمکراتیک جنبش، ذکر دو نکته الزامی میگردد. نکته نخست که در درک مخفی از تشکیلات نیروها متکی بود، قبل از اصطکاک ذهنیت نیروهای ترکمن با عینیت و واقعیت سازمان، میزان گرایش و اتوریته پذیری از دستگاہ رهبری سازمان را در حد بالائی نک میداشت، مورد دوم از این قرار است که جریان فدائیان ترکمن که با سازماندهی مخفی و نیمه مخفی نیروها، جنبش را رهبر می نمود درست در شرائط علنی گردیدن مبارزات خودبه عنوان نیروئی مستقل، بدلیلحمیت شدید به سازمان فدائی، منشا احساسی و آرمانخواهانه داشته است، بخاطر

تبعیبت و دنباله روی از سیاست های خام و پرتناقض سازمان فدائی و کپی برداری از طرحهای نارس تشکیلاتی آنان، وصلتی مکانیکی و نامناسبی را تاسید نمودند، که شدیداً هویت ملی و مستقل این نیروی جوان را ضایع و خدشه دار می نمود. بدین ترتیب اراکه جنبش اصیل خلق ترکمن بر اسب سازمان بسته می شود. سازمانی که بدلیل عدم درک از قانون مبارزاتی ملیت های ایران و توسل به فعالیت های تروریستی و آوانتوریستی شدیداً ضعیف و تنها به عنوان جریانی روشنفکری محسوب می گردید، جنبش بکر و اصیل خلق ترکمن را در رکاب خود قرار میدهد.

سازمان فدائی از بدو ورود به ترکمنصحرا دو هدف را دنبال می کرد، شناخت و کنترل ملی خلق ترکمن و سوق دادن در جهت

حسودی نسبت به دیگران، پرهیز نماید و آنچه را که به تجربه و با تحمل درد و رنج فراگرفته به شاگردان خود بدون هیچ گونه احساس حسادت نسبت به آنان منتقل کند، از طرف خلق خویش مورد ستایش واقع می گردد و لیاقت استاد بودن را کسب می نماید. ملت تنها چنین استادانی را بخاطر مهارت شان در کار، داشتن خلصت انسان دوستانه و نوع پرورانه شان مطلوب ولایق دانسته، ارزش ولائی برای آنها قائل می شوند.

باید هنر زیبای موسیقی هر سازنده ای با زیبایی و پاکیزگی اخلاق آن آمیزد، نباید زیبایی هنر موسیقی را با حرص جاه طلبی و مقام پرستی در آمیخت.

چنین است درس آموزگاران هنر موسیقی خلق ما. بایستی همه ما

دو نیا تورکه نله ری نینگ گومانیتار بیر له شینگ نینگ دورگون ناماسی

I. بیر له شینگ عمومی یوره لگه سی ،

ماقصدی

۱- دو نیا تورکه نله ری نینگ گومانیتار بیر له شینگ د موندان بو یانا دوکومه ننده "بیر له شینگ" دیب آلن یار ، جاها ن یوزونده دورلی یورتله رده مەکان توتوب یاشایان تورکه ن حالقی ننگ کوک له رینی و شاحالارنی زوره نیب ، بوگه نجی - حازینانی حافیرکی زمانا تسویلیزاتسیاسی ننگ خنما سنا عمومی یار ، ادمزادا ال یه تهرلی ا دیار .

۲- تورکه ن مه ده نیه تی نینگ نوسعالارنی ، اوننگ انسان به روه ر فولکلور ، یازو ، ساز و غایری تاریخی یادگار لیک له رینی ارقالا مشق لی چاره له ری نینگ سکین هم آید ننگ پروگرام لاری ننگ اوستی بیلن دو نیا یورت لارندا واغظ ا دیار .

۳- تورکه ن دلی نینگ اده بیاتی ننگ صونفا- می ننگ اصل لی داب - ده سوزلاری ننگ لیباسی ننگ ساز غورال لاری ننگ که میدیلان ، خارلانیان یا پیته ره یا قن لاسدنریا یورت لارندا قاومداشلارا جهمله شیب حمایت به ریار هه ریر ایلده تورکه ن مه ده نی اوچاقلاری ننگ دوره دلیه کینه و انسان حوقوقی ننگ غورالما غشا یاردام ا دیار .

۴- اوسوب گه لیان یاش نه سیلی ا دولا ننگ زنه دلی ، آنا بابا لاری ننگ قادم مه ده نیه تی بیلن مه یله تین بادا شدر مانا گونو که یریلن بوسینخلی و قوتوم لی تاغاللا لاری گور مار .

۵- بیر له شینگ اقتصادی سه ودا - تجارت ، توریزم ، اسپورت باباقلاردا هم خالق آرا خنما نده اش لغی یولا غویمانا و اون یایبانگ لاندر مانا جه مایات ا دیار

۶- بیر له شینگ کیول ، عراب ، لاتین یازودا اوز نه شیرینی چاپ ا دیار ، یورته رادیو استانتسیا

ایشینی غورایار ، ده گونال دغایری فستیوال لاری ، علمی - ایتنوگرافیک اکیس به دیدتیا لاری ، چه پر سه ریشده له ری و ش م مه ده نی چاره له ری گه چریا

۷- دورلی یورت لاردا یاشایان تورکه نله رینگ اوزارا دوغان لغی عاتنا شق لاری نی جه بیس له ش - دیر یار ، دوغان غارن داشلاری تاپمانا یاردام

ا دیار ، دو نیا خالق لاری ننگ خوش نیه تلمج حه ره که تله رینی ، پاراحات لغی اوغردن اقی گوره شینه اوز غوشاندنی غوش یار . داشلاری یورت لی تورکه نله ر ، سن سن سن - ده اوقی مانا سن سن سن - ده یاشایان تورکه نله ره بولسا داشلاری یورت لاردا اوقی مانا یاردام ا دیار .

نینگ

۸- ت سن سن ر - ده ، سن سن سن ر - ده و دو نیا به یله کی یورت لارندا حاکیمیه تله ره غاراشلی بولماق حالقار جه مضیه ت چی لیک گومانیتار غورالاری ننگ گه چریان چاره له رینه عاتناش یار .

۹- دو نیا تورکه نله ری نینگ گومانیتار بیر له شینگ یوزه سکو طاراپن دان عمومی دورگوزنه لایق لغی دا حالقارا انسان به روه ر گومانیتار ، غوراما شوگونده

یورت لارننگ و ره گون لارننگ بانگ سچووت لارنندا غالان سه رنده له ری اولار اوز ایله گ له رینه گوز اختیار اریار له ر شتاب - کوارتیرا - ننگ سچووت لارنندا غالان سه رنده له ر بول تورکه نستان س س ر - ننگ حرکوه تینه - عایتارل یار .

۱۱. بیر له شیکینگ مؤدیریه تی

۱۷. دنیا تورکه له ری ننگ گومانیتار بیر له شکی - ننگ مؤدیریه تی نی دوزلی یورت لاردا یا شایان تورکه له ری ننگ وه کیل له رنده ن عبارت بولوب ، اول کونفرانسی یا لارننگ آرائنندا بیر له شیکینگ ایشی نه یولباش چی لوق اریار هه م - ده اولوننگ قارار لارنی دورموشا گه چیر یار .

۱۸ - مؤدیریه ت آرنندان اکی شیدا بیر گه زه ک اوز مه جلیسی نی گه چیر یار .

مؤدیریه تی ننگ مه جلیسی تورکه ن اوتورملی یورت لاردا گه زه ک له شدریلیب - ده گه چیریلیب بیلنه ر .

مؤدیریه تی مه جلیسینده بیر له شیکینگ دورموشا گه چیرمه لی چاره له ری ننگ آرنندان نوبات داق اکی شیل اوزین ده سلاب قی پروگراما - سنی نا عارال یار و اول تاسیق لاریار .

۱۹ - مؤدیریه تی "تورکه ن سه سی" آلمک غازیه تی ننگ باش ره داکتورنی هه م - ده بیر له شیکینگ سه کوه مار - کووردینا توری نی تاسیق لاریار .

۲۰. بیر له شیکینگ یورت ، وه لایات غورامالاری (بولوم له ری)

۲۰ - یورت ، وه لایات غورامالاری (بولوم له ری)

ره گیتیریه نیب بیلنه ر .

۱۰. بیر له شیکینگ اوزی صاپ - سیاسی پروگراما لاری دوزمه یار و اولار اعمال اتمه یار .

۱۱. دوتنیا تورکه له ری ننگ وه کیل له ری ننگ کونفرانسی

۱۱ - دنیا تورکه له ری ننگ حاقا کونفرانسی دوتنیا تورکه له ری ننگ گومانیتار بیر له شکی ننگ یوماری یولباش چی اوزگانی حساب لاریار و آرنندان دورت ییلان بیر گه زه ک چاغورمل یار .

۱۲ - کونفرانسی یا بیر له شیکینگ دوزلون نامانی قی مابول اریار و اولنگا اولنگه شمه له ر گویز یار .

۱۳ - کونفرانسی یا بیر له شیکینگ مؤدیریه تی نی ، پره زیده نسی نی ، ویته پره زیده نسی نی و ده رنگه و کامیسی یاسی نی سایلا یار .

۱۴ - پره زیده نت تورکه نستان س س ر - نده ن سایلان یار .

بیر له شیکینگ پره زیده نسی دوزلی مه ده نی پرو - گراما لاری نی اعمال اتمه کده یورت ، وه لایات غورامالاری ننگ اوزدارا غاتنا شوق لارنی سازلایار و کونفرانسی یادا مؤدیریه تده مابول اریله ن دوکومه نته ر اساسندا اولوننگ تاغالار لارنی او غور قدر یار .

۱۵. یورت لارننگ و ره گون لارننگ غورامالارنندا کونفرانسی یا غاتنا شوق وه کیل له ری ننگ سانی شتاب - کوارتیرا طارین دان که سگیت له ن یار .

۱۶. کونفرانسی یا ننگ دوتنیا تورکه ن له ری ننگ گومانیتار بیر له شکی ننگ ایشی نی به س اتمه گه حوقوقی بار دوزر .

بیر له شیکینگ ایشی به س اریله ن حالاتندا

تورکمه نله نینگ یاشایان یورت لارئندا، شیله هم ساوه ت ساویزی نینگ ره سپوبلیکا لارئندا دۆره دیلیار و عه ره که ت ادیار .

تاژه دۆره دیلن غورامالار دپولوم لهر، بوبارادا بیرله شیلینگ شتاب - کوارتیراسی نى جا باردار ادیار و اوزون نینگ بیرله شیلگه آغضا بولوب گیرمهک مه یلی نى حاظ اوستی بیلن مالیم ادیار .

۲۱ - دۇنيا تورکمه نله رى نینگ یورت ، وه لایات غورامالاری بیرله شیلگه مه یله تین آغضا بولوب گیرن ئینده ن سوونک ، شو دوزگون ناما ایهر - مهک بیلن بیر وانئندا ، اوز یوردوندا دۇ اوز انفتیاری دیرلار و اوز ده ولت لهری نینگ قادا - قانون لاری هم - ده اوز دوزگون نامالاری اساسندا ایشله یان دیرلر .

۲۲ - یورت ، وه لایات غورامالاری ، بولوم لهری اوز سه رشده لهرینده ن بیرله شیلینگ اورتا غازی ناسی نامه یله تین سه رشده بولوب آیرئب بیلر .

۷. بیرله شیلینگ آغضالاری

۲۳ - آب ش - لی ، گه زمانیا لی ، آوغانستانلی ، سیری یالی ، تورکی یه لی ، عتراملی ، شوه تیالی ایران لی تورکمه نله نینگ ، شیله هم ساوه رسپوبلیکا لارئندا یاشایان تورکمه نله نینگ حاکیمه ته غاراش لی بولمادق چه مقیه حی کیک - مه ده نجب غورامالاری دۇنيا تورکمه نله رى نینگ گوماتیار بیرله شیلگه مه یله تین آغضا حؤکمه نده گیریب بیلیارلر . شه یله آغضالئق بو غورامالار نینگ حاظ اوستی بیلن به ره ن ره سی خوییش ناماسی اساسیندا مؤدیری یه ت طرابئندان غارال یار و تاسیق لانیار .

۲۴ - حاضر لیک چه اوز مه ده نى غورامالار هم بولمادق ایران ، وه لیکو بریتانی یا ، پاکستان ، یوردانی یا ، کانادا ، ساعت عارابستان ، کیمبر ، هیندیستان ، خططانی ، لیوان یالی یورت لاردا ، اوز به گیتان ، تاج گیتان ، غازاغیتان ره سپوبلیکا لارئندا ، ماسکوا شاهه رینده و غازی ایل لهرده یاشایان تورکمه نله ر هم بیرله شیلینگ آغضالاری بولماغا حاق لی دئر .

بوره گون لاردا قی تورکمه نله ر بیرله شیلینگ ایشینه نامتاشئش لارئنا لایق لئندا اوز وه کیل - لهری نینگ بیرله شیلینگ مؤدیری یه تینه سایلا - ماغی اوجین مؤمکن حی لیک آیارلار .

آغضالانک یورت لاردان دشارکی ده ولت لهرده بار بۇلان ایلدئش لهری میز اوجین - ده بیرله شیلینگ غانی سی همیشه آچق دئر .

۲۵ - بیرله شیلگه آغضالئق و اوتونک مؤدیری یه تین داکى وه کیل حی لگی مه یله تین صورانداز

۷۱. بیرله شیلینگ شتاب - کوارتیراسی

۲۶ - یورت وه لایات بولوم لهری هم - ده بیرله شیلینگ شاحصن آغضالاری بیلن برسینجلی ایش چه کک غانا شئن لاری یولاغوی یار . مه ده نى چاره لهر او غوزندا اولار ننگ اوزارا تاغالالارئنی سازلایار . شول بیر و اعنت دا تورکمه نستان سس ر - ننده "واطان" چه مقیه تی نینگ ایش نى یوزه دیش یار .

۲۷ - مؤدیری یه تینگ نوبات دائمی مه جلیس نى تاییار لایار . مه جلیس نینگ ره سی تاملار لاری بارادا بیرله شیلینگ آغضالاری نى جا باردار ادیار و بو تاملار لاری ایش یوزونده عامال ائمه گینگ تاقیق بول لارئنی که سکیت لهر یار .

۲۸ - بىرله شىگىنگ اشتاب - كوارتيراسى يورت
 ، وه لايات بولۇم لەرى نىگ و بىرله شىگىنگ ماشى
 آغزالارنى نىگ گە چىريان ايش لەرى نىگ ، شەيە
 ھەم اورتالوق غازاننىگ حاساباتىنى يۈرە ديار .
 ۲۹ - داشارى يورتى تۈركمەنلەرنىگ تۈركمەنستانا
 گە لىم - گىدىمىنى وشوگ بىلەن باغلى غارى
 چارە لەرى گە چىريار .
 ۳۰ - بىرله شىگىنگ اورگانى بولا "تۈركمەن سە"
 آت لى غازىە تى نىگ ويۇرتىە رادىو استانىا
 سى نىگ ايشىنى اوزارا سازلايار .
 غازىەت نىگ رە داكتسى ياسى بىلەن بىرلە
 يورت وه لايات بولۇم لەرى رىندىكى وغارى يۈرلە
 - دالى جابارخى لار نىگ ايشىنى سازلايار .
 ۳۱ - بىرله شىگىنگ يورت ، وه لايات بولۇم لەرى
 تۈركمەنستان سى سى ر - نىدە چىقىان گۈنە نىگ
 و دە ويرلە يىن مە طبوغات وغارى شەرىلەرى
 ، شۇل ساندا اوقو كىتابلارى بىلەن اوچىون
 اديار . داشارى يورتلى ايلدە شلە ارچىن
 آتونا يازى شى لىغى غورىار .
 ۳۲ - شتاب - كوارتيراسى سەكۈەنار - كۇوردىنا تور
 يولباش جى لىق اديار .
 سەكۈەنار - كۇوردىنا تور دۇنيا تۈركمەن -
 لەرى نىگ گومانىتار بىرلە شىگى نىگ پىزىنى
 طاراپىن دان بىرلە شىگىنگ سەكۈەنار - كۇوردىنا
 دىنا تور لىغى نا بەل لە نىب ، مۇدىرىە تىنگ
 مە جلىسندە تاسىق لانيار .
 شتاب - كوارتيراسى سەكۈەنار - كۇوردىنا تور
 بىرلە شىگىنگ مۇدىرىە تى نىگ آغزالىغىنا
 سايلانيار .

سى سى سى ر - دالى رە سىپىلكان ، اولكە
 روه لايات ، غورمالارنى نىگ باشلىق لارى
 سەكۈەنار - كۇوردىنا تور نىگ اشتاب دان
 داشارى اورون باسار لارى دىر .
 ۳۳ - دۇنيا تۈركمەنلەرى نىگ گومانىتار
 بىرلە شىگى نىگ شتاب - كوارتيراسى
 تۈركمەنستان ساوت سوتىاليتىك
 رە سىپىلكاسى نىگ ياتاغى اشغابات دا
 يەرلەش يار .
 ۳۴ - بىرله شىگىنگ شتاب - كوارتيراسى
 تۈركمەنستان سى سى ر - نىگ خۇكومەتى
 طاراپىن دان تاسىق لانان آيراتىك
 دۇزگۈن نامە اساستدا ائز ايشىنى
 آلب باريار .
 ۳۵ - بىرله شىگىنگ اوزر امبە لە ماسى (نشانى)
 ، بايدى اجى غى (دومپە ليا) ، شتاب - كوارتيراسى نىگ
 بول مۇھرى دىر ، بوليار .
 VII . بىرله شىگىنگ سەرشىدە لەرى
 ۳۶ - بىرله شىگىنگ عومى سەرشىدە سى
 يورت لار دىقى و رەگۈن لار دىقى بولۇم لەرى نىگ
 مەبلە تىن غاناخ لارى نىگ ، شەيە ھەم
 بىرله شىگىنگ گە چىريان مەدەنى چارە لەرى نىگ
 حاسابى نا دۇزۇل يار .
 ۳۷ - بىرله شىگىنگ سەرشىدە لەرى تاسىق لانا
 مەدەنى پىرۇگراممالارى دورموشا گە چىرىك ،
 دۇرلى يورت لار دا دۇرلى شىرىف لەردە
 نەشىر ايش لەرىنى عامالا آشىرماق ، و
 بەيلەكى غورما چىلىق ضرورىە جى لىك لەرى
 اوھىن خارج لانيار .

۳۸. بیره شینگ س س س ر - شنگ
 چاك له رنده ن داشاردا تونلانا ن عمومی
 سه رنده له ری هر بیر بولوم (غوراما)
 اوز بوردوننگ بانگ سه چوتلار شندا
 ساغلا بار. مؤدیری هت و شتاب - کوارتیرا
 سه چوت لارا گوزهگ حی لیک ا دیار
 ۳۹ - بولومینگ (غوراماننگ) یوق بورت (ار شندا)
 بیره شینگ کومک بهرماگه هه وهس بیلدیریانله ر
 سه رنده له ری اوز ایله ری بولونجا ایله ن
 بولومینگ بانگ سه چوتی ناگه چیریپ و
 بو بارادا بیره شینگ شتاب - کوارتیراسی نا
 یا - دا پره زیوه نتی نه ره سی یاغدا یا حابار
 به ریپ بیره رله ر .

بورت داقی و ره گون لارداقی بولوم له نینگ
 (غورامالار ننگ) بولباش حی لاری بیره شینگ
 سه رنده له ری نینگ اوز بولومله ریندا کی
 یاغدا ی حاقن دا یلدا ایکی گه زهک بوزله
 شتاب - کوارتیراسی نار هسی ماعلومات به ری رله ر.
 ۴۰. شتاب - کوارتیرا مؤدیری به نینگ
 نوبات داقی مه جلیمنده بیره شینگ عمومی
 سه رنده له ری نینگ یاغدا یی باردا حاسابا
 به رماگه بوز چلی در .

دو نیا تورکمه نله ری نینگ بیونجی
 کونفه ره نسیا شندا قابول ا دیلدی
 اشغابات شاهه ری ۱۹۹۱ - نجی یل ننگ
 ۲۱ - نجی مایی

۱۹۹۱ - نجی یل ننگ مای آیشندا تورکمه نله ر ننگ

اشغاباتدا گه چیره ن بیونجی حاله ا را
 کونفه ره نسیا شندا شتو دوزگون ناما
 ایندیکی کونفه ره نسیا چهللی دو نیا
 تورکمه نله ری نینگ گومانیار بیره شینگ
 باش یوره لگه سی ا دین مک ماقول بیلندی .
 اونئ موندان بویانا کاسل له شدیرمک ، اگر
 ناظاردان سپان ، اونس ده ن دوشه ن
 پورصا تار بار بولسا ، اولای غوشماق -
 غوشمازلوق یاغدا یی نا و غایری ته کلیب لاره
 نوبات داقی کونفه ره نسیا نار لیا ر .
 دو نیا تورکمه نله ری نینگ ایکی نجی کونفه ره نسیا
 ۱۹۹۲ - نجی یل ننگ آپریل آیشندا گه چیره ر .

کیریل حاطندان عراب
 حاطلی ناگه چیره ن
 ب - آ .

یوقور داقی دوزگون ناما دا گه له ن
 کا بیر سوزله رینگ پارس چا مانن لار

- ۱ - آبش : ایالات متحده آمریکا .
- ۲ - شتاب : ارکان رهبری
- ۳ - ائتورافیک : شتق ازلفت " ائتورافی "
- ۴ - آرماداش لوق :
- ۵ - آرمالاشوق لی : باتوانوق فی مابین خود ، بانگ
 و حکامری متقابل ، بانگ همدیگر . قودا ، دوستانه
- ۶ - ائتورافی : علم مردم شناسی بر پایه دیرنگهای فرهنگی
 ، خلیات و خصوصیات روحی و مادی ملت ک .
- ۷ - اگس په دیدتسی یا : نجش اعزام یک اداره .

اعزام عده ای، گروهی جهت انجام مأموریتی ویژه
 بجائی. رفتن عده ای، گروهی بجائی برای انجام مأموریتی
 خاص، بازدید آنان از آنجا، هیئت اعزامی

۸- ایل یه تهرلی: در دسترس، قابل دسترسی

۹- امله ما: آرام

۱۱- اوجاق: کانون

۱۳- اوغور: جهت

۱۳- اوغور قد رماق: جهت دادن

۱۴- اوروون باسار: معاون

۱۵- اینزی گیده رلی: ادامه دار،

۱۶- ایهرمه ک چیزی اساس قرار داد، انعقاد چیزی

۱۷- آیدینگ: روشن، واضح

۱۸- باداش درماق: همبستگی، یاری رساندن

۱۹- بانک سه حیوون: اسناد بانکی، قبض بانکی

۲۰- باش ره دالتور: سردبیر

۲۱- برسیدخلی: موزون، یکنواخت، هماهنگ

۲۲- پروگرامما: برنامه

۲۳- په رسونال: شخصی

۲۴- تاقیق: محقق، بزمیم و فتح و قاف

۲۵- تسویلیزاتی یا: تمدن، درجه بالای رشد جامعه

۲۶- توتوملی: با تدارک، با آمادگی، ظرفیت.

۲۷- تاغاللا: تلاش، فعالیت

۲۸- چه بیس له شدیرمه ک: تنگنا، ساختن،

هرچه نشده برآمدن، فاصله که از میان بردن.

۲۹- حوایش ناما: تقاضا نامه، درخواست نامه

۳۰- حالق ارا: بین الملل، بین المللی

۳۱- حالقار کونفرانس یا: کنفرانس بین المللی

۳۲- چه پهر: هنری، ... هنرمند

۳۳- چه پهر سه گین: نمایشگاه آثار هنری

چاک: حد، حدود، محدوده، سرحد
 ۳۴- چاره: تدبیر، تدارک که جهت انجام موفقیت
 کاری صورت بگیرد. علاج، کاری که بطور
 تقبیه در نظر گرفته میشود و یا انجام میدهد.

۳۵- ره لیون: ناهیه، سرزمین، حوزه،

قلمرو
 ۳۶- ره گینوال: ناهیه ای، محلی

۳۷- ره سوپولیکا: جمهوری

۳۸- ره سسی: رسمی

۳۹- ره سس ماغلومات: اطلاعات رسمی،

گزارش رسمی

۴۰- رادیو استانتسی یا: ایستگاه رادیویی

۴۱- ره گستر تر له نمه ک: به ثبت رسیدن

۴۲- ده رنگو: بازرسی

۴۳- ده رنگوچی: بازرسی

۴۴- ده رنگه و کامیس می یا: کمیسیون بازرسی

۴۵- ده له گات: نماینده آنکه از طرف دولت

و یا جمع شخصی انتخاب میشود.

۴۶- دو کومه نت: سند

۴۷- داب- ده سور: آداب و رسوم

۴۸- دور مو شا گه حیومه ک: کاری را با انجام رساندن.

عملی ساختن، عمل کردن.

۴۹- دور موش: دوران زندگی، زمانه، عمر.

۵۰- دو زگون: نظم، ترتیب.

۵۱- دو زمه ک: ایجاد کردن، عمل آوردن، حاصل

نمودن، تنظیم کردن.

۵۲- دو زگون ناما: نظام نامه

۵۳- سه ریشه: امکانات لازم برای انجام

کاری، پول، سرمایه، امکانات مادی

- ۵۴ - سه کوه تار : سگوز ، دیر ، فشی
 ۵۵ - سه کوه تار - کوؤر دنیا توؤر : دیر - هاغک
 کننده
 ۵۶ - کوؤر دنیا توؤر : هاغک کننده ، موزون
 کننده ، قساب کننده ، هرته سازنده
 ۵۷ - سازلاماق : تنظیم کردن ، هاغک نمودن
 ۵۸ - سازغورال لاری : آلات موسیقی
 ۵۹ - سه رگین : نمايشگاه
 ۶۰ - س س س ر : محفف اتحاد جاهر شوروی سوسیالیستی
 ۶۱ - ساهت سايوز : اتحاد شوروی
 ۶۲ - ت س س ر : جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان شوروی
 ۶۳ - تش . م : محفف دو کلمه " شونگا یعنی برین " و
 " مه نگزه ش یعنی شبیه " . معادل " هکلدا " در
 عربی و " هچین " در فارسی
 ۶۴ - شتاب : ارگان رهبری . ارگان نازمی
 ۶۵ - شریفیت : حرف ، خط
 ۶۶ - شریفیت له : حروف . چاپ شریفیت له
 حروف چاپی
 ۶۷ - صوتغات : هنر
 ۶۸ - غوراما : سازمان
 ۶۹ - نمايشلی : وابسته
 ۷۰ - نمايش ماق : به صلاح و مشورت نشستن ،
 مصلحت کردن
 ۷۱ - نمايشنا : بخوانه
 ۷۲ - نمايشت : نشریه
 نمايشت : نشریه
 ۷۳ - که س گین : مجا ، حکم ، برآ ، تیر
 ۷۴ - که سگیت له نه که : منحصر شدن ،
 روشن شدن ، قطعیت یافتن ،
- ۷۵ - که سگیت له نه که : شخص کردن ،
 روشن نمودن ، قطعیت دادن .
 ۷۶ - که می دیلمه که : تحقیر شدن
 ۷۷ - کیویل : یکی از انواع خط ؛ - خط
 روسی .
 ۷۸ - کامیس سی یا : کمیون
 ۷۹ - کونفه نفش یا : کنگرانش
 ۸۰ - گوما نیار : انانی ، انانی فرهنگی
 ۸۱ - لاشق لئق : انطباق ، برابر شدن ، برابری
 با یکدیگر وجود در آمدن ، تناسب .
 ۸۲ - مه ده نیهت : فرهنگ
 ۸۳ - مؤدیوی یهت : هیئت مدرسه ،
 مدیریت .
 ۸۴ - مه جلیس : نشست
 ۸۵ - مه یله تین : داوطلبانه - ازوری میل
 ۸۶ - واغظط : وعظ ، تبلیغ
 ۸۷ - وه لیکا : کبیر
 ۸۸ - ویتسه : معاون
 ۸۹ - ویتسه پرد زیدونت : معاون پرزیدنت
 ۹۰ - ویمپه لی : پرچم
 ۹۱ - وه کین : نماینده
 ۹۲ - وه لایات : ناحیه ، ولایت
 ۹۳ - یورت : سرزمین ، کشور
 ۹۴ - یورتیه : ویژه ، مخصوص
 ۹۵ - ییتیره یاقین : در آستانه نابودی ،
 در حال نابودی
 ۹۶ - یایبانگلا ندر ماق : گسترش دادن ،
 تقویت نمودن ، تعالی دادن ،
 ۹۷ - یولباشچی اورگان : ارگان رهبری

کابیر یورت لارنگ آت لاری

- ۱- آوغایستان : افغانستان
- ۲- ساعوت
- ۳- عربستان : عربستان سعودی
- ۴- سهری یا : چین
- ۵- شاهوتسی یا : سوئد
- ۶- کبیر : قبرس
- ۷- عتراق : عراق
- ۸- گهرمانی یا : آلمان
- ۹- وهلیکا
- ۱۰- هندیستان : هندوستان
- ۱۱- یوردانی یا : اردن

سوزله ری پارس چا اوو ورمهک
اوچین آشاقداقی سوزلوک لهدن
حایرلاشندی :

۱- تورمه ن دیلی نینگ سوزلوگی
(آشخابات ۱۹۶۲)

۲- عامید آدشداقی پارس دیلی نینگ
سوزلوگی (طاهران)

۳- اولی تورمه نجه - روس چا سوزلوگی
(تاشکنت ۱۹۸۶)

۴- اولی روس چا - تورمه نجه سوزلوگی
(ماسکوا روس سکی یازنگ ۱۹۸۷)

۵- روس چا - پارس چا سوزلوگی
(ماسکوا)

۶- حاییه م آدشداقی انگلیس چا - پارس چا
سوزلوگی (طاهران)

ب - آ.

اهداف سیاسی - ایدئولوژیک خود، کما اینکه بدلیل نقش مستقیم کمیته مرکزی سازمان، درگیری‌ها و تضادهای رهبری مستقیماً بر روند حرکتی جنبش منطقه تأثیرات خود را برجای می‌نهد.

درست در فردای بنیانگذاری کائون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن در شمر گنبد، ستاد مرکزی سازمان چریکها در پایتخت نمایندگان خود را به منطقه ترکمن‌نصرا اعزام می‌نماید، نمایندگان اعزامی سازمان که با اسلحه سازمانی و مقداری سیانور به منطقه اعزام گردیده بودند، اگر قید شود که شاید در عمر خود یکبار نیز قبلاً منطقه را زیارت نکرده بوده‌اند، سخن به گزاف نرفته است. آنان با تفکر چریکی خود، چون شنوالبه های گمنام آمده بودند تا همه چیز را تغییر بدهند و در مسیر دلخواه هدایت بنمایند. کسرتدگی جنبش ملی - دموکراتیک خلق ترکمن بها خاسته ترکمن افق دیدی وسیعتر و فراخ تری را طلب می‌نمود، که ذهن بسته و محصور چریک عاجز از کاوش و غور در آن بود. بنا

به قانسون علی - مبارزه، ضروری بود تا آنان نخست حرکت را می‌آموختند و بعداً بر آن تأثیر می‌نهادند، موج نیرومند جنبش ملت ترکمن این غواصان میبندی را به کناری پرتاب می‌نمود، در این میان بقا و تداوم حرکت خلق ترکمن به میزان پایمردی و واقع نسگری آن‌دسته از فدائیان ترکمن که در ابتکارات و ابداعات لازمه توانمند تر بودند، منوط گردیده بود، به دیگر سخن هنوز مدتها سازمان

به دنبال حوادث منطقه کشیده میشد و نمی‌توانست بر موج توفنده سوار گردد و اسب عاصی جنبش را بر مراد و میل خود بتازاند.

عصر واقع گسری و دموکراتیسم بطور آشکاری در بطن جنبش خلق ترکمن خود را بروز میداد. نیروهای کار آمدتر و پرتوان تر نقش خود را باز می‌یافتند، و در نهادهای علمی جنبش، کانسون فرهنگ، ستاد مرکزی شوراهای اتحادیه های دهقانی و سازمان های زنان و جوانان و .. صادقانه و پراخلاص به نقش تاریخی خود می‌پرداختند. برپائی چنان نهادها و تشکلهای دموکراتیک که قبل از ورود سازمان به صحنه فعالیت ها، آغاز گردیده بود، مراحل تکوینی و تکاملی خود را طی می‌نمود.

از نکات مثبت حضور سازمان در جنبش منطقه، تا این حد می‌توان بیان نمود که به طور کلی، سازمان در شناساندن و معرفی جنبش خلق ترکمن، نقش مثبتی را ایفاء می‌نمود، آوازه خیزش عمومی ستمدیدگان ترکمن دیگر از فراز مرزهای ملی گذر نموده بود و افکار عمومی در قبال مطالبات بر حق خلق ترکمن واکنش وجدانی را به نمایش می‌گذازد. در این امر تردیدی وجود ندارد که به لحاظ تفکر هژمونستی و افعال قسیم مابانسه، سازمان نمی‌توانست تمامی حقایق و واقعیت های جنبش ملی ترکمنها را همانطور که جریان داشت منعکس بنماید، از دید سازمان فدائی و برخی جریانهای چپگرا، سرزمین ترکمنها

منطقه سرخ و گلکونی را می‌مانست که همه چیز خود را فدای رسالت جنبش چپ می‌نماید. حال اینکه در ورای تب و تاب های شورانگیز سازمان و روشنفکران چپگرای ترکمن، خلق محروم و بهاخاسته ترکمن از انقلاب و تکان اهداف اصیل دیگری را پیگیری می‌نمود. برخلاف تبلیغات یکجانبه سازمان و جریانهای سراسری چپگرای آن دوران، همه خواست ها و مطالبات ترکمن را حل مسئله ارضی، و تعدیل طبقات اجتماعی تشکیل میداد، در واقع امر، مطالبات برحق و تاریخی ملت تحت ستم ترکمن فراتر و عمیق تر از آن بود که سازمان فدائی تبلیغ می‌نمود. نیروهای روشنفکر ترکمن نیز بدلیل تشبیه بردستگاه فکری چپ آن‌دوران، تمایلات و خواهشهای طبیعی توده ها را تنها در قالب الگوها و مستدهای به واقعبیت پیوسته کشورهای سوسیالیستی، که در ترکمنستان شمالی (شوروی) جریان داشت، محصور می‌یافتند. از تحلیل ها و گزارشات نمایندگان سازمان در منطقه چنین بر می‌آمد که آنان خواست ها و حق طلبی های ترکمنان را در دو فضای متفاوت ارزیابی می‌نمودند، بنا به تحلیل آنان زحمتکشان روستاها، از حرکتها و فعالیتهای انقلابی خود هدفی جز واگذاری زمینهای غصبی که اکنون تحت مالکیت شورائی کشت در آمده بودند، نداشته اند و اما توده های ترکمن در شهرها حل مسائل ملی و حق تعیین سرنوشت خود به دست خویش را مد نظر داشته اند. چنین تحلیلی هر چند دروجه

تبلیغ می گردید، مطالبات عمومی تمام جامعه ترکمن نبود. بدین خاطر بود که بزودی و با ارائه گردیدن طرح ها و برنامه های سازمان پیرامون مسائل ملی و ارضی، به سرعت اقشار و طبقات مختلف اجتماعی حمایت خود را کاهش میدادند و خلق ترکمن ترجیح میداد تا با سکوت و خاموشی معنی دار خویش، نظاره گر حوادث متلاطم آندوران باشد. در واقع نیز در نبود آنترناتیوی دمکراتیک و واقعا ملت گرا، سکوت و بیطرفی عمومی ترکمنها، توانسته بود ابعاد فاجعه و جنایات عدیده، تحمیلی را به مراتب کاهش بدهد.

ادامه دارد

گردیدن سرحدات شمالی که ترکمنستان واحد و متمرکز را بنا به ارضاء سیاست های سرکوبگرانه حاکم در ایران و روسیه به دونسیم تقسیم نموده بود، تمایلی غیرقابل کتمان میباشد. تعلق یافتن زمینها و مراتع دامی ترکمنها به خود، در اشکال متفاوتی مطرح می گردید، چنین خواسته هایی نمی توانست با سیاست های سازمان و نیروهای روشنفکری چپ زده آندوران مطابقت داشته باشد. بهتر آن می بود که بروی چنین گرایشات واقعی سرپوش گذاشته شود و در واقع نیز آنچه که به عنوان خواست های برحق و طبیعی خلق ترکمن

کلی و عمومی منطبق بر برخی واقعیات آندوران بود، اما به تنهایی از نیازهای عمیقاً دموکراتیک و عادلانه خلق ترکمن ناشی نمی گردیده است. گرایش ملی و رفع ستم های ملی، فرهنگ، جغرافیائی در واقع خود انگیزشی تصادفی و زورگذر نبوده است، مردم ترکمن تاریخاً و در طول صدها و هزاران سال حیات خویش تجربه نموده بودند که رهائی واقعی آنان نه در تغییر مناسبات سیاسی و حکومتی و یا اقتصادی بلکه دقیقاً در تغییر و دگرگونی بنیادی در مناسبات ملی و اجتماعی کشور ایران خلاصه میگردد. بر چیده



آدرس ایل گویچی

POSTLAGER KARTE

NE. 127492 C

4800 BIELEFELD

با کمک های مالی خود ایل گویچی را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید.